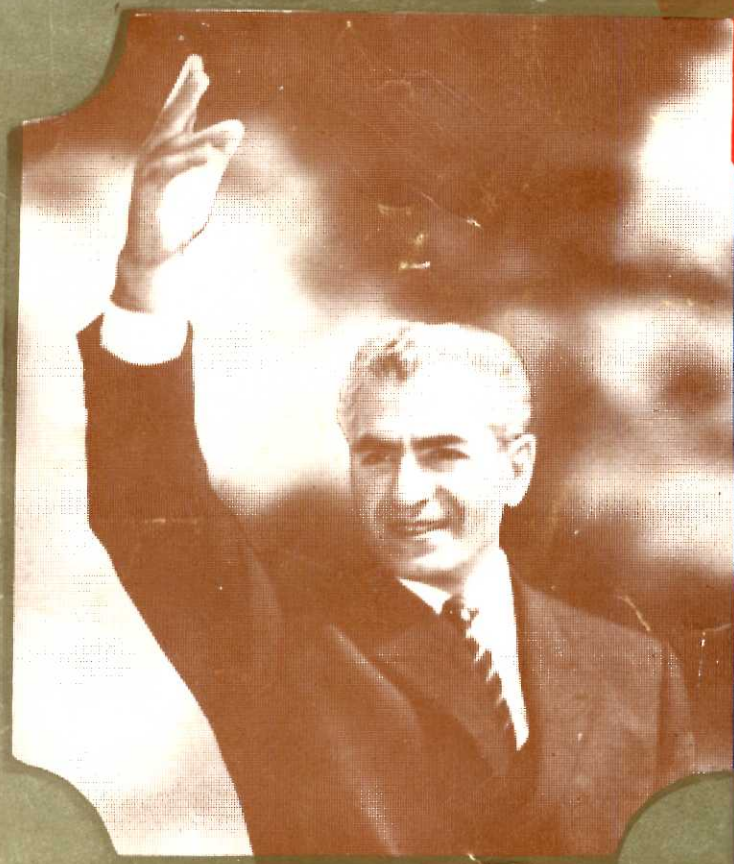
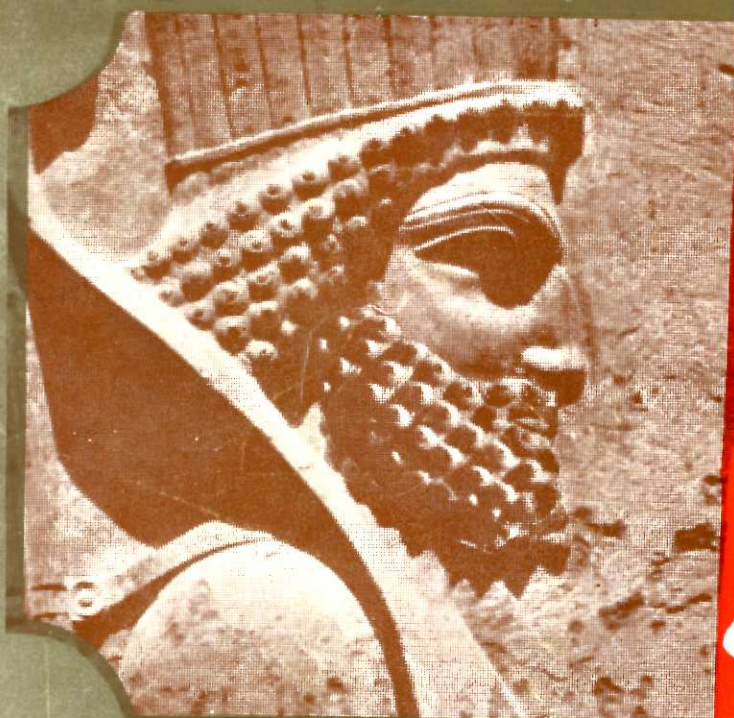


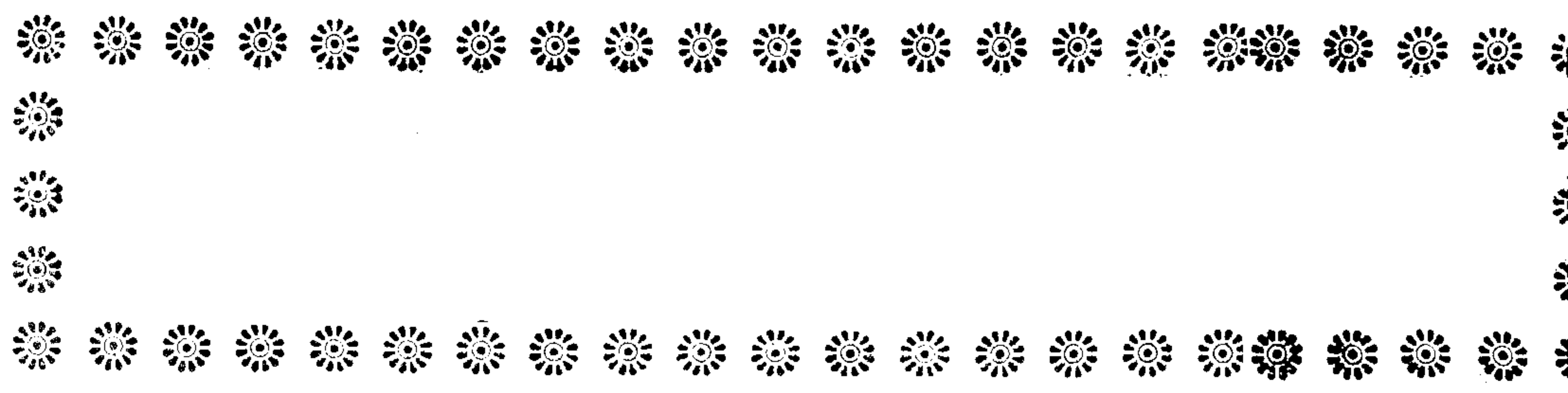
دومین کمیته جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران
نشریه اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران



شاهنشاهی

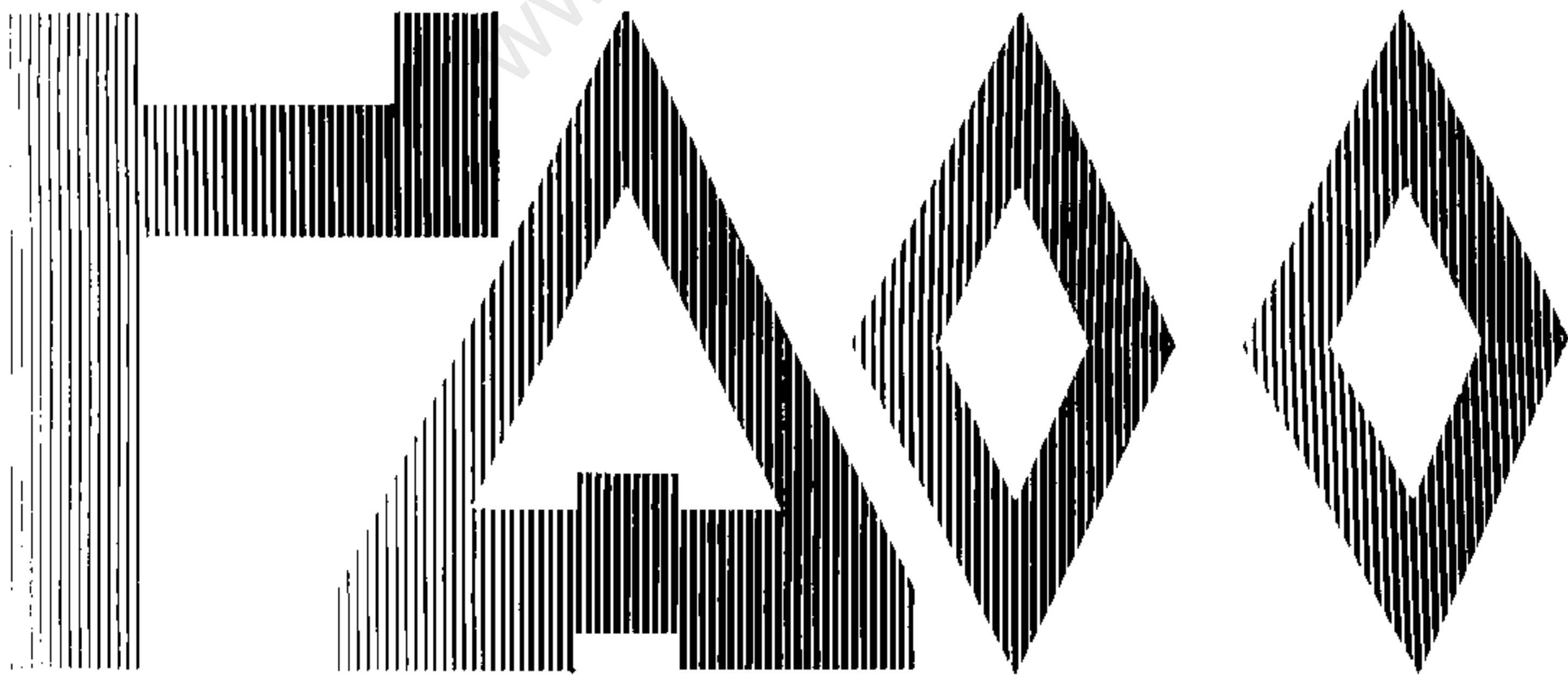
با عشق ملت
لعشق ملت

سیت و یکم فروردین ۱۳۵۰





همین استانی





نوشته: افسر نراقی

رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران

قر

نهایت رژیم شاهنشاهی، با شکوه و عظمت بی‌پایان در این نقطه از مشرق زمین می‌درخشد؛ شاید هم ایرانیها نخستین کسانی بودند که رژیم شاهنشاهی را برپا داشتند و چون این اساس عالی، زائیده فکر و نبوغ آنهاست لذا با دل و جان از آن حراست و نگهبانی می‌نمایند.

در طول تاریخ، در پهنه‌گیتی، در سرزمین‌های دیگران، حکومتها از شکلی بشکل دیگر مبدل شده‌اند و در تمام این جریانها، خونها ریخته شده و زندگیا به تباهی کشیده شده است، اما در سرزمین ما رژیم پادشاهی روز بروز انسانی‌تر، به استقرار ابدی ادامه می‌دهد.

این بدان سبب است که روحیه و طرز تفکر ایرانیها با دیگران متفاوت است.

در ایران، شاهنشاهی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است ولی خصیصه آن که، ادامه رژیم شاهنشاهی است، همیشه محفوظ مانده است و این نه برای آنستکه پادشاهان وقت چنین حکومتی را می‌پسندیده‌اند بلکه بدینجهت است که ملت ما در طول تاریخ و قرونها، با این بنیاد، خو گرفته و آنرا نظم منطقی دانسته‌اند و از این روست که پادشاهان در مقام احترام به خواست ملت، رژیم شاهنشاهی را حفظ کرده‌اند.

ایرانیان برعکس دیگر ملل که بعضی از آنها حتی نامشان از صفحه گیتی پاک شده است تنها از این رهگذر، موجودیت خود را، از خطرات حوادث و زمان مصون نگاهداشته‌اند.

ما همانگونه که بر اساس تعالیم برتر زرتشت، وحدت خانواده را در رژیم خانوادگی پذیرفته‌ایم، بهمانسان هم از نظر مذهب دردنیائی که ملت‌های دیگر، بت‌ها را می‌پرستیدند، خدای یگانه را برگزیده‌ایم، از میان همه حکومتها رژیم شاهنشاهی را برتر و عالیتر دانسته‌ایم، این خصیصه يك اصل ملی و يك روحیه ایرانی است و از همین جهت و بر پایه این بنیادهای مقدس است که رژیم شاهنشاهی، عالیترین و منطقی‌ترین نظم اجتماعی برای ما محسوب می‌گردد.

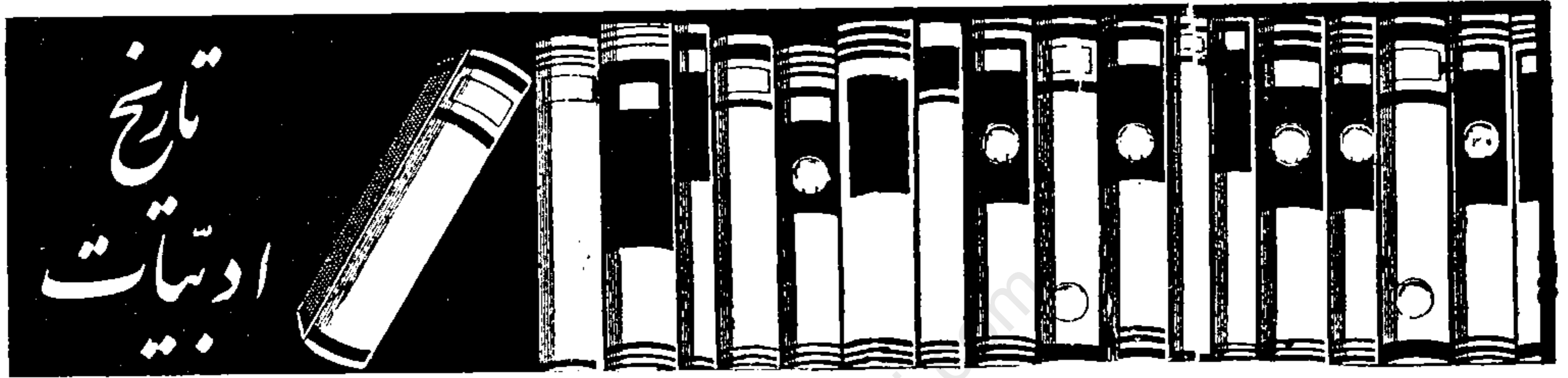
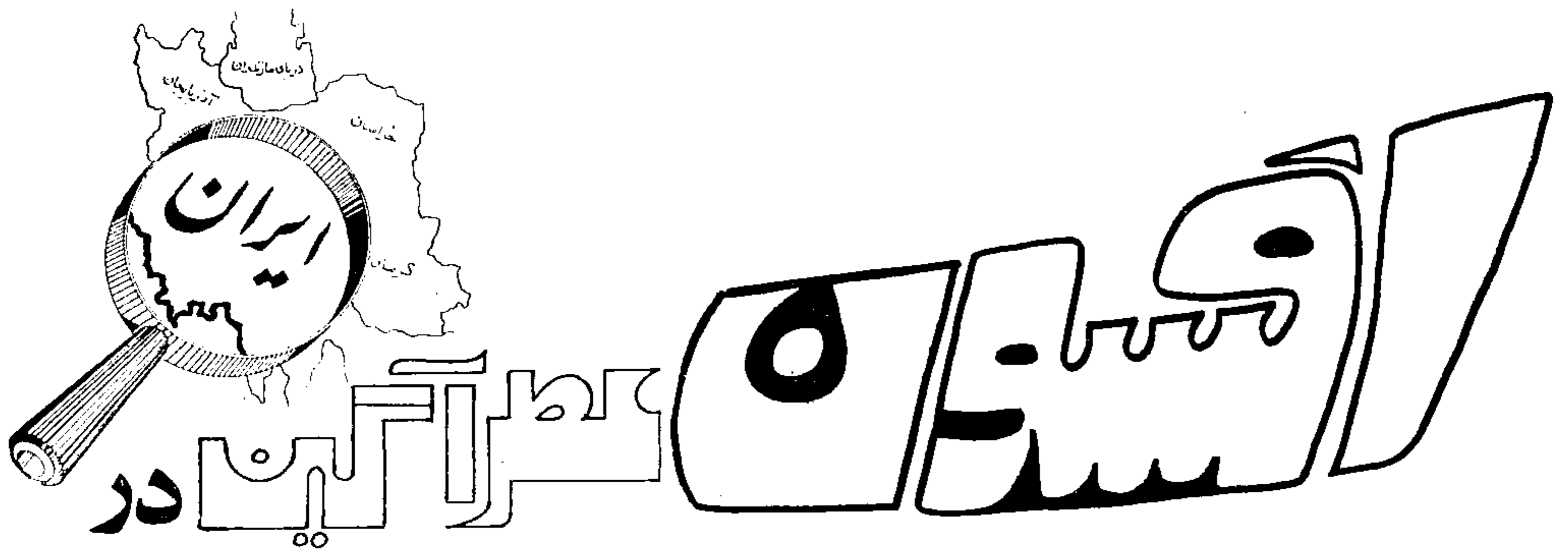
از سوی دیگر، پادشاهانی مانند کورش کبیر و شاهنشاه آریامهر، هرگز نگذاشته‌اند فاصله‌ای بین ملت و شاه بوجود آید.

همین توجه به آسایش و امنیت توده‌های ملت و اینکه شاهنشاه ما تمام نیروی خود را وقف ملت نموده‌اند، سبب گردیده است که ملت بهیچ رژیمی جز ادامه رژیم شاهنشاهی توجه ننماید.

پادشاهانی که در دیگر کشورها به سادگی اورنگ خود را از کف داده‌اند، همیشه در يك فاصله و جدالی با ملت خود برمی‌برده‌اند و برفق ظلم و بدبختی مردم توجهی نداشته‌اند و بدینجهت است که حکومتی به حکومت دیگر مبدل شده است.

ما که در دنیای پر آشوب فعلی شاهد و ناظر، فسادکاری و رهبری شاهنشاه عالیقدر در تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی و ملی خود هستیم، با همان خصیصه ایرانی، نخستین بنیاد شاهنشاهی را که با روحیه ایرانی بوجود آورده‌ایم، کماکان حفظ و با جان و دل از آن پاسداری می‌کنیم.

اگر رژیم شاهنشاهی در ایران ابدی است بدانجهت است که این رژیم، مخلوق اندیشه و فکر ایرانی است و شاهنشاهان همیشه در مقام بهترین انسانها، بر قلب ملت حکومت داشته‌اند.



از: شجاع‌الدین شفا

معاون وزارت دربار شاهنشاهی

سفیر کبیر

مدیر عامل کتابخانه پهلوی

دبیر کل اتحادیه جهانی ایران شناسان

عضو شورای سلطنتی فرهنگی

دکتر افتخاری دانشگاه رم - دکتر افتخاری دانشگاه مسکو

دارای جایزه ادبی سلطنتی ایران

و نشان‌های:

ایران، این سرزمین کهنسال و پست و بلند دیده‌ما، از دیرباز یک کانون فروزان ذوق و فکر و هنر، و یک منبع بزرگ الهام برای هنرمندان و متفکرین دیگر سرزمینهای جهان بوده است. از قدیمیترین آثار ادبی عهدباستان: کتابهای مقدس یهود و هندی و مسیحی گرفته تا باامروز، بزرگترین شعرا، بزرگترین نویسندگان، بزرگترین هنرمندان و متفکرین جهان، بیش یا کم از ادب و هنر و فکر ایرانی الهام گرفته‌اند.

در جمع پر جلال نوابغ چند هزار ساله‌تر و ادب جهان، کمتر نویسنده و شاعر و کمتر متفکر واقعاً بزرگی میتوان یافت که با این سرزمین و گنجینه‌های فکر و ذوق و هنری که دنیا ارمغان

تاج و همایون (ایران) - لژیون دونور، پالم آکادمیک و هنر و ادب (فرانسه) - شایستگی جمهوری و نشان طلای فرهنگ (ایتالیا) - ویکتوریا (انگلستان) - صلیب عالی لیاقت (آلمان) - شایستگی (اتریش) - ستاره شمال (سوئد) - اراثر ناساتو (هلند) - لئوپولد (بلژیک) - دانه بروگ (دانمارک) - سن گرگوار کبیر (واتیکان) - صلیب فرماندهی (لهستان) - نشان عالی شایستگی (برزیل) - لیبر تادورسن مارتین (آرژانتین) - منلیک (اتیوپی) - الجلاله الشریفیه (مراکش) - جمهوری (تونس) - فیل (تایلند) - کندراج (مالزی)

مؤلف و مترجم بیش از پنجاه اثر، که آخرین چاپ آنها در ۲۴

جلد و در ۱۲،۰۰۰ صفحه انتشار یافته و تاکنون از طرف بیش از یکصد فرهنگستان و دانشگاه و مراکز بررک فرهنگی و علمی بین‌المللی مورد تجلیل قرار گرفته است.

بود و از رسوم و وظایف که برای اشخاص مهم و بزرگ مملکت، لازم است بخوبی آگاهی داشت.»

مذهب مزدیسنا شادی آفرین، سازنده و انسانی بود.

درختکاری، گلکاری و کشت، از جمله کارهایی است، در مذهب مزدیسنا که بسیار مورد توجه است.

استرابو Strabo می نویسد:

«محصّلین، علم زراعت و چوپانی نیز می آموختند و پس از انجام کارهای روزانه به غرس اشجار و گلکاری و تهیه دامهای شکاری

می پرداختند.»

دقت در زندگی اخلاقی و اجتماعی ایرانیان مسلماً نمی توانست با عقاید مذهبی آنان بیگانه باشد.

تعالیم روحانی با کمک اصول تعلیم و تربیت زمان خود، توانست صفات نیک را جزو وجود هر فرد ایرانی نماید و قرن‌ها سبب گفتگوی مورخین بزرگ جهان قرار گیرد.

در «ایوثریرم گاه» فقره ۸ گفته شده:

«جوان نیک‌پندار، نیک‌کردار، نیک‌وجدان پاکدین، سرور پارسا را می‌ستائیم، جوان سخن گوی پاکدین اشو رامی‌ستائیم، آن پاکدین اشو

را که فداکاری کند می‌ستائیم، آن (آتربان) اشو را که در مملکت است می‌ستائیم.»

(در شکند کمانیک و یجار، باب ۱، فقره ۴۶) آمده است:

«کسی که از اندک دانشی برخوردار باشد و دیگران را دانش آموزد، در نزد خداوند پسندیده‌تر است، از دانشمندی که دارای علم بسیار است و دیگران را دانش نیاموزد.»

و باز هم در (ویسپ هومتو) آمده است:

«همه‌اندیشه و گفتار و کردار نیک، نتیجه علم و معرفت است و همه‌اندیشه و گفتار و کردار زشت نتیجه نادانی است.»

زرتشت می گوید:

«در جهان، جز راستی، راهی نیست و راستی و درستی به ما نیروی مقدسی می‌بخشد که در پرتو آن نیرو می‌توانیم، بشر را به خوشبختی و سلامتی رسانیم.»

زرتشت می گوید که قلبهای ما باید همیشه از عشق و محبت به انسانها بطلد تاج جهان بهتر، عشق و سخاوت، ترقی اجتماعی، و پیشرفت زراعت بوجود آید.»

زرتشت برای مبارزه با زشتی‌ها و بدی‌ها می گوید:

«باید نیروی بدنی را هرچه بیشتر نمود و آماده کار، گردانید، سلامتی و تندرستی و رعایت بهداشت، برای رسیدن به کمال در زندگی، در این جهان ضروری است و همچنین برای استقرار حکومت نیکی و درستکاری، صلح و دوستی، برابری و برادری، توانائی فکری و بدنی هرچه بیشتر مورد نیاز است.»

«هنری بر (Henri Berr) فرانسوی در کتاب تمدن ایران، می نویسد:

«کوروش بزرگ، برعکس سلاطین قسی-القلب و ظالم بابل و آشور بسیار عادل و رحیم و مهربان بود، زیرا اخلاق و روح ایرانی اساسش بر تعلیمات زرتشت بوده و بهمین سبب بود که پادشاهان هخامنشی خود را مظهر صفات «خشترا» می‌شمرند و همه قوا و اقتدار خود را از خداوند دانسته و آنرا برای خیر بشر و آسایش جامعه انسان صرف می‌کردند.»



آئین و روش کورش کبیر

آسور - مردوک در بین النهرین، زوس - آپولون و آمون در مصر، بر قلب و روح مردم حکومت میکردند و در ذهن و تصورات آنها جان می گرفتند.

در این اوضاع و احوال، زندگی اجتماعی اسیر خدایان متعدد و خیالی بود، کورش ظاهراً در سلك رهبر سیاسی و عمیقاً در مقام مصلح و پیامبر، انتشار دهنده افکار دیگری شد که با حق و عدالت و برابری و مساوات آمیخته بود.

کورش چون نگینی، بر انگشت زمان می - درخشید و نگاهی بزندگی و هدفهای همسایگان و ملل همجوار، بخوبی این حقیقت تاریخی را بثبوت میرساند.

در آن زمان، شهرهای یونان، هر یک خود رابخدائی وابسته میدانستند و مردم شهر، آن خدا را حامی بقا و دوام خود می شناختند.

شهرهای یونان، گرفتاریهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جداگانه و خاصی داشتند. خدای واحد نمی توانست هم حامی اسپارت که طبقه اشراف و فقیرش جنگجو بودند باشد و هم حامی آتن که دمکرات و ثروتمند و دریانورد بودند، و همه چیز را از دریچه منافع تجاری می نگریستند.

بر همین اساس، لزوم پسزیرفتن خدایان جداگانه برای شهرهای مختلف، بخوبی احساس می شد ولی از طرفی مردم سراسر یونان برای حفظ وحدت نژادی و قومی، زوس را نیز بعنوان خدائی بزرگ که حاکم بر خدایان کوچک بود قبول کردند و باو ایمان آوردند.

بدین ترتیب زوس نماینده یگانگی نژادی و سایر خدایان، نمودار منافع اقتصادی و رژیم سیاسی خاص هر شهر بودند و می توان گفت که مذهب نشان دهنده و آئینه اخلاق و روش اقتصادی و سیاسی مردم بود.

از : نجمی و ثوقی

دبیر دبیرستانها

داستان جوانمردیهای «کورش» را همه شنیده ایم ولی برای آنکه جلوه گریهای نیات انسانی و افکار بزرگ این راد مرد تاریخ را بهتر و بیشتر بشناسیم بهتر است که مقدمتاً از چگونگی محیط اجتماعی و شرائط خاص اجتماعی روزگار او آگاه شویم. در دوران گذشته خدایان متعدد، زائیده تصور مردم بودند.

زندگی ایرانیان قبل از ظهور زرتشت پیغمبر، بشکل چوپانی می گذشت و بعلت بیقراری و کوچهای مداوم که از خصوصیات زندگی چوپانی است، اساس خانواده در ایران مترزلزل بود، بهمین جهت خانواده به «زن» متکی می شد، زیرا مرد در غالب مواقع، در خطر نابودی بسر میبرد.

تغییر زندگی مادر شاهی به پدر شاهی، هنگام تحول اقتصاد چوپانی به کشاورزی پیش آمد ولی روش زندگی چوپانی حتی در جامعه شهرنشین نیز می توانست وجود داشته باشد، ماد و بابل و آسور را شاهد می آوریم :

بابل و آشور از نظر نژاد و زبان یکی بودند ولی در اعصار اولیه، آسور و بابل از هم جدا شدند، آسور بشمال بین النهرین رفت ولی بابلیان در سرزمینی سکنی گزیدند که در کنار رود پر آب و رود دیاله قرار داشت.

سرزمین مزبور برای زراعت بسیار مستعد و با ارزش بود، در نتیجه بابل بصورت کشاورزی تغییر وضع داد و تجارت نیز که لازمه بقاء و پیشرفت کشاورزی است در آنجا رونق گرفت، مذهب و اخلاق هم تجارت و سودجویی را تأیید کردند و خدایان موافق آن شدند.

ارزش نیروی کار در بابل شناخته شد، یک برده چند برابر احتیاجات محدود و مختصر خود تولید می کرد، بطوریکه تولید او خیلی بیشتر از مصرفش بود.

در نتیجه برده داران منافع هنگفتی بدست می آوردند و برده داری بشدت رایج و مجاز بود.

از آن پس بابلیان، در نبرد محتاط گردیدند و بکشتار ابراز علاقه نکردند، زیرا نمی خواستند بردهها (نیروی مؤثر کار و تولید) نابود شوند و صدمه ببینند، آنها ضد جنگ شدند.

اما آسوریان در سرزمینی فاقد ارزش و

بود و از رسوم و وظایف که برای اشخاص مهم و بزرگ مملکت، لازم است بخوبی آگاهی داشت.»

مذهب مزدیسنا شادی آفرین، سازنده و انسانی بود.

درختکاری، گلکاری و کشت، از جمله کارهایی است، در مذهب مزدیسنا که بسیار مورد توجه است.

استرابو Strabo می نویسد:

«محصّلین، علم زراعت و چوپانی نیز می آموختند و پس از انجام کارهای روزانه به غرس اشجار و گلکاری و تهیه دامهای شکاری

می پرداختند.»

دقت در زندگی اخلاقی و اجتماعی ایرانیان مسلماً نمی توانست با عقاید مذهبی آنان بیگانه باشد.

تعالیم روحانی با کمک اصول تعلیم و تربیت زمان خود، توانست صفات نیک را جزو وجود هر فرد ایرانی نماید و قرن‌ها سبب گفتگوی مورخین بزرگ جهان قرار گیرد.

در «ایوثر ترم گاه» فقره ۸ گفته شده:

«جوان نیک‌پندار، نیک‌کردار، نیک‌وجدان پاکدین، سرور پارسا را می‌ستائیم، جوان سخن‌گوی پاکدین اشو را می‌ستائیم، آن پاکدین اشو

را که فداکاری کند می‌ستائیم، آن (آتریان) اشو را که در مملکت است می‌ستائیم.»
(در شکند کمانیک و بیجار، باب ۱، فقره ۴۶)
آمده است:

«کسی که از اندک دانشی برخوردار باشد و دیگران را دانش آموزد، در نزد خداوند پسندیده‌تر است، از دانشمندی که دارای علم بسیار است و دیگران را دانش نیاموزد.»

و باز هم در (ویسپ هومتو) آمده است:

«همه‌اندیشه و گفتار و کردار نیک، نتیجه علم و معرفت است و همه‌اندیشه و گفتار و کردار زشت نتیجه نادانی است.»

زرتشت می گوید:

«در جهان، جز راستی، راهی نیست و راستی و درستی به ما نیروی مقدسی می‌بخشد که در پرتو آن نیرو می‌توانیم، بشر را به خوشبختی و سلامتی رسانیم.»

زرتشت می گوید که قلبهای ما باید همیشه از عشق و محبت به انسانها بطنید تا جهان بهتر، عشق و سخاوت، ترقی اجتماعی، و پیشرفت زراعت بوجود آید.»

زرتشت برای مبارزه با زشتی‌ها و بدی‌ها می گوید:

«باید نیروی بدنی را هرچه بیشتر نمود و آماده کار، گردانید، سلامتی و تندرستی و رعایت بهداشت، برای رسیدن به کمال در زندگی، در این جهان ضروری است و همچنین برای استقرار حکومت نیکی و درستکاری، صلح و دوستی، برابری و برادری، توانائی فکری و بدنی هرچه بیشتر مورد نیاز است.»

«هنری بر Henri Berr» فرانسوی در کتاب تمدن ایران، می نویسد:

«کوروش بزرگ، برعکس سلاطین قسی-القلب و ظالم بابل و آشور بسیار عادل و رحیم و مهربان بود، زیرا اخلاق و روح ایرانی اساسش بر تعلیمات زرتشت بوده و بهمین سبب بود که پادشاهان هخامنشی خود را مظهر صفات «خشترا» می‌شمرند و همه قوا و اقتدار خود را از خداوند دانسته و آنرا برای خیر بشر و آسایش جامعه انسان صرف می‌کردند.»



آیین و روش کورش کبیر

آسور - مردوک در بین النهرین، زوس - آپولون و آمون در مصر، بر قلب و روح مردم حکومت میکردند و در ذهن و تصورات آنها جان می گرفتند.

در این اوضاع و احوال، زندگی اجتماعی اسیر خدایان متعدد و خیالی بود، کورش ظاهراً در سلك رهبر سیاسی و عمیقاً در مقام مصلح و پیامبر، انتشار دهنده افکار دیگری شد که با حق و عدالت و برابری و مساوات آمیخته بود.

کورش چون نگینی، بر انگشت زمان می - درخشید و نگاهی بزنگی و هدفهای همسایگان و ملل همجوار، بخوبی این حقیقت تاریخی را بثبوت میرساند.

در آن زمان، شهرهای یونان، هر یک خود را بخدائی وابسته میدانستند و مردم شهر، آن خدا را حامی بقا و دوام خود می شناختند.

شهرهای یونان، گرفتاریهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جداگانه و خاصی داشتند. خدای واحد نمی توانست هم حامی اسپارت که طبقه اشراف و فقیرش جنگجو بودند باشد و هم حامی آتن که دمکرات و ثروتمند و دریانورد بودند، و همه چیز را از دریچه منافع تجاری می نگریستند.

بر همین اساس، لزوم پذیرفتن خدایان جداگانه برای شهرهای مختلف، بخوبی احساس می شد ولی از طرفی مردم سراسر یونان برای حفظ وحدت نژادی و قومی، زوس را نیز بعنوان خدائی بزرگ که حاکم بر خدایان کوچک بود قبول کردند و باو ایمان آوردند.

بدین ترتیب زوس نماینده یگانگی نژادی و سایر خدایان، نمودار منافع اقتصادی و رژیم سیاسی خاص هر شهر بودند و می توان گفت که مذهب نشان دهنده و آئینه اخلاق و روش اقتصادی و سیاسی مردم بود.

از : نجمی و ثوقی

دبیر دبیرستانها

داستان جوانمردیهای «کورش» را همه شنیده ایم ولی برای آنکه جلوه گریهای نیات انسانی و افکار بزرگ این راد مرد تاریخ را بهتر و بیشتر بشناسیم بهتر است که مقدمتاً از چگونگی محیط اجتماعی و شرائط خاص اجتماعی روزگار او آگاه شویم. در دوران گذشته خدایان متعدد، زائیده تصور مردم بودند.

زندگی ایرانیان قبل از ظهور زرتشت پیغمبر، بشکل چوپانی می گذشت و بعلت بیقراری و کوچهای مداوم که از خصوصیات زندگی چوپانی است، اساس خانواده در ایران متزلزل بود، بهمین جهت خانواده به «زن» متکی می شد، زیرا مرد در غالب مواقع، در خطر نابودی بسر میبرد.

تغییر زندگی مادر شاهی به پدر شاهی، هنگام تحول اقتصاد چوپانی به کشاورزی پیش آمد ولی روش زندگی چوپانی حتی در جامعه شهر نشین نیز می توانست وجود داشته باشد، ماد و بابل و آسور را شاهد می آوریم :

بابل و آشور از نظر نژاد و زبان یکی بودند ولی در اعصار اولیه، آسور و بابل از هم جدا شدند، آسور بشمال بین النهرین رفت ولی بابلیان در سرزمینی سکنی گزیدند که در کنار رود پر آب و رود دیاله قرار داشت.

سرزمین مزبور برای زراعت بسیار مستعد و با ارزش بود، در نتیجه بابل بصورت کشاورزی تغییر وضع داد و تجارت نیز که لازمه بقا و پیشرفت کشاورزی است در آنجا رونق گرفت، مذهب و اخلاق هم تجارت و سودجویی را تأیید کردند و خدایان موافق آن شدند.

ارزش نیروی کار در بابل شناخته شد، یک برده چند برابر احتیاجات محدود و مختصر خود تولید می کرد، بطوریکه تولید او خیلی بیشتر از مصرفش بود.

در نتیجه برده داران منافع هنگفتی بدست می آوردند و برده داری بشدت رایج و مجاز بود.

از آن پس بابلیان، در نبرد محتاط گردیدند و بکشتار ابراز علاقه نکردند، زیرا نمی خواستند بردهها (نیروی مؤثر کار و تولید) نابود شوند و صدمه ببینند، آنها ضد جنگ شدند.

اما آسوریان در سرزمینی فاقد ارزش و



قیامهائی بوجود می‌آمد مثلاً اگر لیدی - بابل - ماد و ایسران شرقی، علیه تسلط پارسها (که سرزمین کوچکی داشتند) شورش میکردند، کورش و پارسیان، سالها بزرگت می‌افتادند بخصوص که در این میان، محرکینی مانند یونان و فرعون مصر وجود داشتند و مردمانی مثل ساکنین شهر - های یونان - آسیای صغیر، مستعد و آماده قیام و آشوب بودند.

«گر نفون» در نوشته تاریخی خود کورش را بمقام الوهیت رسانده، در داستان «پان ته آ» او را، مبرای شهوات نفسانی و مردی مقتدر در برابر تمایلات حیوانی نشان داده است. واقعاً شگفت انگیز است، هنوز جنگهای

بقیه در صفحه بعد

استعداد کشاورزی سکونت کردند و در نتیجه کشاورزی و صنعت آنها نتوانست رونقی پیدا کند و خدای آنان (آسور) با کشتار اسرا و بردگان موافق و حتی نسبت بآن حریص هم بود. آسوریان شهر یا کشوری را که فتح میکردند پس از غارت بکلی ویران مینمودند و آن را غیر قابل استفاده و خالی از سکنه رها میکردند. ولی از طرف دیگر بابلیان پس از تصرف هر سرزمین از خرابکاری خودداری و حتی در آبادی آن می‌کوشیدند، پسادگان نظامی تأسیس و حکمران بابلی انتخاب میکردند و آنجا راضیمه خاک خود می‌ساختند.

عبارت بهتر بابل، کشور تجاری - کشاورزی و مستعمراتی بود ولی آسور يك مملکت نظامی. جنگ برای بابل یعنی بدست آوردن برده و نیروی کار بیشتر و تصرف سرزمین‌های دیگر و آباد کردن آنها و توسعه و ترویج تجارت بود، در حالیکه نبرد برای آسور، عبارت بود از غارت و چپاول آنچه دیگران ساخته و پرداخته بودند.

در شرائطی که پادشاهان بر حسب منافع خاص خود، پیرو و مبلغ مذهب و آئین خاصی می‌شدند و نمی‌توانستند نسبت به مذهب بی‌طرف باقی بمانند، کورش... این راد مرد جاودانی تاریخ که در فتوحات، جنبه اعتدال را از دست نداد، در هیچیک از پیروزیها هم اصول انسانی را زیر پا نگذاشت.

او نه شهری را ویران کرد، نه مزارع و دهات را سوزاند و نه مردم را برده و او فروخت کورش، شاهی رحیم و رؤوف بود و در حالیکه می‌دانست رحم و عطوفت بملل مغلوب ممکنست در برابر توسعه شاهنشاهی او خطراتی ایجاد کند، معهذاً همیشه رفتاری عادلانه و انسانی بامغلوبین جنگ داشت، چون فرصت طلب و سود پرست نبود.

اداره سرزمین‌های، متصرفی کورش، کارسخت و دشواری بود، مخصوصاً اوقاتی که در آنجاها



بقیه از صفحه قبل

دیگر دربار پارس تحت تأثیر دربار ماد بود بخصوص وجود ماندانا دختر آزدهاک در دربار پارس نمی توانست بی اثر باشد.

پس چگونه کورش از همه آنها کنار ماند و رفتار انسانی و متفاوتی را ارائه داد؟

کورش بشدت تحت تأثیر تعلیمات زرتشت بود، چون زرتشت، خرابکاران - گناهکاران و برده داران را دوست نداشت و با ویران کردن شهرها و کشتن مردمان و بطور کلی اسارت انسان مخالف بود، کورش نیز از دست زدن باین اعمال خودداری میکرد.

او خوب می دانست که ملل مغلوب ممکن است علیه او قیام نموده و برایش دردسر ایجاد کنند و برای پیشگیری از قیام احتمالی، مردم را قتل عام نمیکرد و شهرها را با آتش نمی کشید. او خوب می دانست که برده قیمتی است ولی نمی خواست از انسان آزاد، برده بسازد.

کورش به پول احتیاج داشت ولی صلاح نمی دانست که پول مورد نیاز را از راه غارت شهرها و فروش مردم آزاد بدست آورد، این اعمال که مخالف تعالیم زرتشت بود و برخلاف جوانمردی، مورد علاقه و خواست او نبود. کورش، رادمردی که با بهترین و عالیترین فلسفه زندگی و مذهبی آن روز آشنائی داشت بهترین مرد زمانه خویش بود.

اگر کورش می خواست که سلطنت مطلقه ایجاد کند و همه آسیای صغیر را زیر یک پرچم گرد آورد بخاطر این بود که با فلسفه چندخدائی نمی توانست سازگاری داشته باشد و آن را بر خلاف شعور انسانی میدانست. عبارت «بهر

ایران و یونان فراموش نشده بود که مردی مثل گزنفون که شمشیر بدست گرفته بود تا علیه پارسیان بجنگد، کتابی مثل «کور و پدی» نوشت آیا حیرت آور نیست؟ اگر کورش مورد نفرت و انزجار مردم بود، اگر یونانیان واقعا کورش را درخور آن همه ستایش نمی دانستند، اگر او را بزرگ و قابل احترام تشخیص نمی دادند، چطور ممکن بود که گزنفون بخود اجازه بدهد که او را قهرمان کتاب مهم و تاریخی خود معرفی کند؟

کورش از عصر گزنفون دور نبود، جانشینان کورش هنوز فرمانروای آسیای غربی و مصر و قسمتی از افریقا بودند، هنوز واقعه سالامین - جنگ ترموپیل فراموش نشده بود.

در چنین شرائطی کورش بزرگ را سمبل و نمونه مردی و مردانگی و کشورداری و اخلاق معرفی کردن بهترین دلیل بر شایستگی و قدرت روحی کورش است.

رفتار کورش در سارد و بابل و داستان جوانمردیهایش با قوم یهود بخوبی حاکی از اینست که گزنفون حق داشته کورش را تا این حد بزرگ و درخور ستایش توصیف کند.

کورش در پارس تربیت شده بود، پارسها و مادها از حیث آداب و رسوم و تعلیم و تربیت تفاوتی نداشتند، کورش شاه آنها بود و قبل از او پدرانیش بر آن سرزمین حکومت کرده بودند. تمدن و عقاید ایلام قدیم که بی شباهت به تمدن بابل و آسور نبود لاقلاً در کشورداری و رفتار با ملل مغلوب در کورش و اطرافیان او می بایست اثر می گذاشت و بابل نیز همسایه ای نبود که بتوان آن را نادیده گرفت، از طرف

«او معتقد به وحدانیت بود».

کوروش وقتی به مغلوبین احترام می گذاشت می خواست بگوید عمل شما صحیح و بجا و شرافتمندانه بوده ، منمم اگر بجای شما بودم در برابر دشمن قوی تر از خودم تسلیم نمی شدم بلکه می جنگیدم .

او معتقد بود که حق آنها ست در مقابل دشمن بایستند و مردانه نبرد کنند، زیرا اگر او هم بجای آنها بود چنین میکرد .

کوروش يك انسان واقعی بود، او در عصری که شاهانی چون سناخریب - سارگن - آسور بانپیل - بنو کدنزر با افتخار می گفتند که فلان کشور را ویران کردم ، فلان شهر را با خاک یکسان نمودم ... در عصری که کشتار ملل مغلوب افتخار آسور و بابل و عیلام و مصر و یونان بود ، در عصری که ملل هم نژاد با هم چون درندگان رفتار میکردند، ستاره درخشانی بود که چشمها را خیره میکرد .

او سرداری بزرگه قاندى عظیم الشان و انسانی مهربان و شریف بود . گوینو حق دارد بگوید :

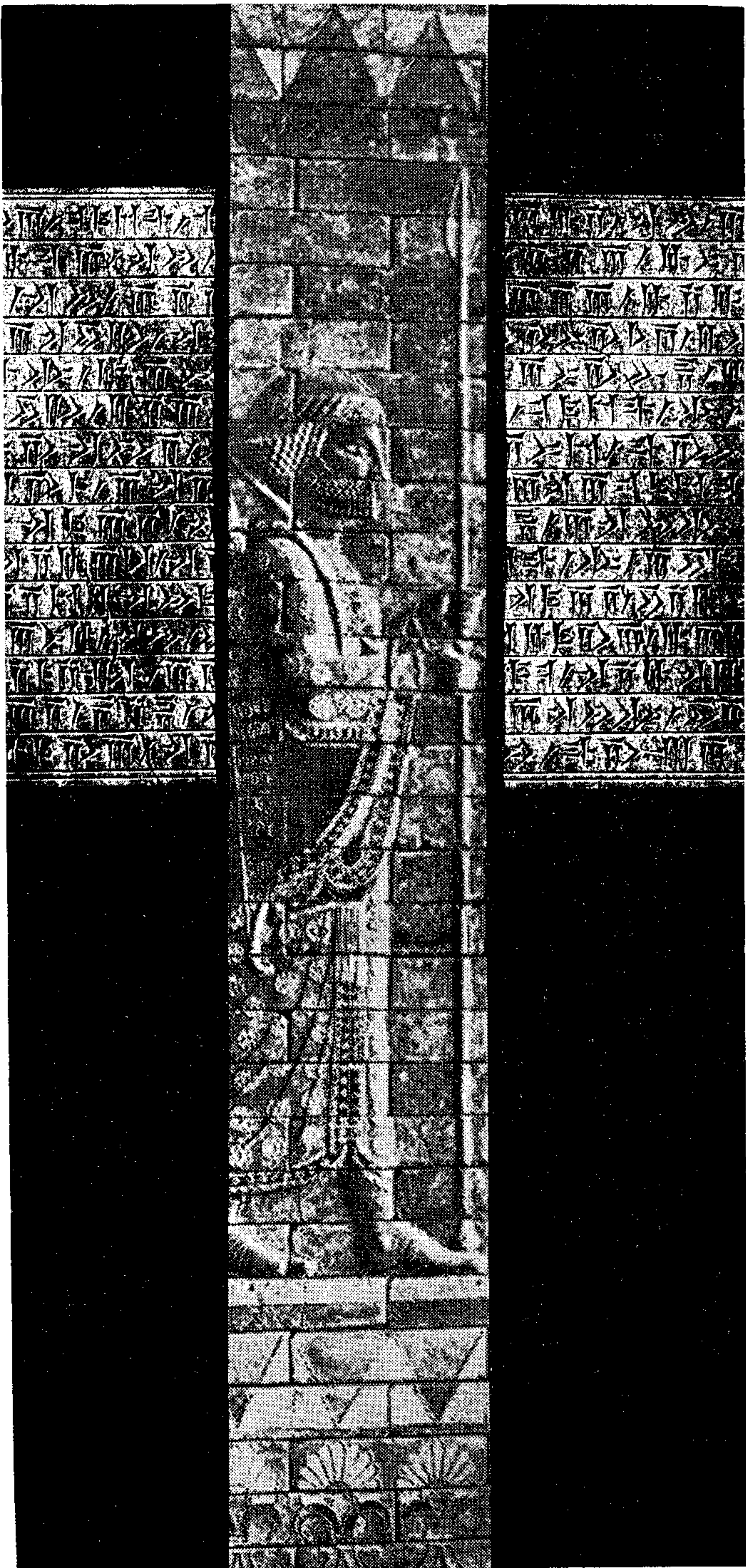
کوروش از پارس كوچك با نیروی نظامی اندك و بدون سواره نظام كسه در جنگهای قدیم نقش اصلی و قاطع را ایفا میکرد، بامشتی چوپان پارسی و سربازان تعلیم ندیده و بدون اسلحه كافی پیاخاست و سپس مقتدرترین دول عصر خود را از پای در آورد .

او امپراطوری عظیمی از ساحل سند تا مدیترانه و از ساحل سیحون تا مصر بنا نهاد ، بر اتباع خود تسلط كامل داشت و پایه سلطنتش دلهای مردم بود .

کوروش مرد موفق پارسی در اوج قدرت و عظمت بدون آنكه حتى لكه كوچكى بر نام با شكوهش سایه افكند زندگی را وداع گفت و برای بازماندگان خود سرزمینی بزرگ - ارتشی نیرومند و ثروتی بیکران از معنویت و فضائل انسانی بجای گذاشت .

او نه با نیروی نظامی و نه با سربازان نیرومندش بلکه با سجایای اخلاقی خود، پیروز شد و دژهای نیرومند در برابر جوانمردی او سقوط کردند

چنانکه گوینو گفت مقدر بود برتر از دیگران باشد .



آینه تاریخ شکوهمند ایران

سنگهای گرانیت در راز و رمز دالماس

نوشته: عباس دولت داد
مدیر دبستان جهان مینو

مایه سر بلندی مردم جهان داشتن سیم و زر یا بسیاری و فراوانی سرمایه‌های پولی نیست. آنچه ملت‌ها را درخور ستایش میسازد، برتری هوش و دانش و درستی در کار و کردار است. کشور ما جایگاه نامدارانی است که از دیرگاه با این شیوه نیکو، آشنائی داشته، و بخوبی دریافته بودند که خوی نیک و کردار پسندیده بهترین زیور، مردم‌کاردان و آزموده شمرده میشود از این روکارهای نیک خود را بنام یادگار و اندرز و آگاهی آیندگان، بر روی سنگهای استوار، پاینده و پایدار گردانیده‌اند.

این سنگ نوشته‌ها، بالاترین و والاترین میراث نیاکان و گذشتگان ماست که با گذشت روزگار دراز، هنوز چشم بینندگان ابرخیره میسازد و سند معتبر و مؤثر عظمت ایران باستان است.

این سنگ نوشته‌ها و نشانه‌های باستانی که در گوشه و کنار کشور ما، نمونه‌های بسیار دارد توسط دانشمندان و خاور شناسان خوانده شده و در جهان انتشار یافته است.

کتیبه‌ها و لوحه‌هایی که از تاریخ شاهنشاهی ایران، پرده برمی‌دارد بخوبی نشان می‌دهد که ایران، سرزمین نیاکان ما، جایگاه شاهنشاهان دلیر و عدالت‌گستر بوده است.

غرب ایران، گنجینه گرانبھائی در بردارد که در پایداری ساختن شکوه و جلال زمامداران و شرح فتوحات و رموز کشورداری و کشورگشائی آنان تأثیر فراوان دارد.

هر ایرانی پاک سرشت، ناگزیر است که یادگارهای افتخار آمیز پدران شجاع و دلاور خود را

همیشه بیاد داشته باشد و بروح بزرگ و روان تابناک آنان درود بفرستد و بکوشد که فرزندی شایسته و نیک اندیش برای پدران پرارج و نامدارش باشد.

شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران بر کتیبه‌هایی که در کرمانشاه وجود دارد، بشکل افتخار آمیزی که مایه مباهات هر ایرانی است نقش بسته و طی قرون متمادی، توجه و اشتیاق هر رهگذر و مسافری را بخود جلب کرده است.

جالب ترین و گویاترین تصویری که بر این لوحه‌ها نقش بسته، پیکره شاهنشاه عالیقدر هخامنشی را نشان می‌دهد که اهورمزدا مانند هاله نوری او را احاطه کرده و شاه دست‌های خود را بسوی او گشوده است.

شاهنشاهان هخامنشی پیرو مذهب زرتشت



کتیبه‌های متعدد و با ارزش که بر کوه‌های غرب ایران مخصوصاً در اطراف کرمانشاه وجود دارد، نمونه مدارك معتبری است، از تاریخ با عظمت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاه ایران . جالب‌ترین و گویاترین تصویری که بر این کتیبه‌ها نقش بسته، پیکره شاهنشاه عالیقدر هخامنشی است که، اهور مزدا مانند هاله نوری او را احاطه کرده و شاه دستهای خود را بسوی او گشوده است .

و بابلی نوشته شده که بخوبی از وسعت ممالک شاهنشاهان هخامنشی، حکایت می‌کند و، همه آنها حاکی از یکتا پرستی و نیروی معنوی و اخلاقی آنهاست .

اهمیت این کتیبه‌ها از آنجا آشکار می‌شود که می‌بینیم حقایق تاریخی ایران به زبان برسینه آنها حک شده است .

علاوه بر حقایق تاریخی، این کتیبه‌ها حاوی نصایح سودمند و افکار یکتا پرستی و تأکید بر نیکوکاری است که خوشبختانه با وجود گذشت زمان، همچنان سالم و مؤثر باقی مانده است . در این ایام که فرصت مناسبی پیش آمده تا یاد نیاکان یکتا پرست - عادل و بزرگوار خود را گرامی بداریم، باید کوشش کنیم که سزاوار این همه افتخار، آبرو و شهرت جهانی باشیم که پدران ما بر جای گذشته‌اند و بدین ترتیب، دیدگان خود را بر نور و روشنائی بگشاییم .

هم ، بزرگ و بی نظیر بود ... این امپراطوری از آسیای صغیر تا رود سند گسترده شده، و مصر و بعضی از شهرهای یونانی آسیای صغیر نیز قسمتی از آن بشمار میرفت .

درسراسر این امپراطوری وسیع که در پرتو گفتار زرتشت و کردار کوروش، عدل و داد حکومت میکرد، مأمورین شاه، مراقب و مواظب، اجرای اصول انصاف و اخلاق بودند .

حیرت انگیز و درخور ستایش و توجه است که شاهنشاهان هخامنشی، با آن همه قدرت مادی در کلیه شئون کشورداری، از زرتشت و نیات بشر دوستانه او ، الهام میگرفتند و همانطور که در کتیبه‌ها دیده میشود، همیشه دست‌های خود را به نشانه نیاز بدرک مسائل معنوی بسوی نور - وحدانیت و زیبایی مطلق که در وجود اهور مزدا خلاصه می‌شده دراز میکردند .

کتیبه‌های بیستون به زبان پارسی - ایلامی

یکتا پرستی واقعی بودند .

زرتشت که اساس فلسفه و گفتار و کردار خود را بر پایه آشتی دادن بدی با نیکی نهاد ؛ بر قلوب پادشاهان خوب و بشر دوست و عادل ایران زمین جای خاص و منیعی داشت . عقیده زرتشت که عقیده رایج آن زمان بود انسان را موظف میکرد جانب روشنائی را گیرد و تاریکی را رها کند زیرا روشنائی بر حق است و سرانجام روح، تاریکی را فرو خواهد پوشانید و ایوب خواهد کرد .

بدین ترتیب، اصول اخلاقی مورد علاقه و عقنقاد کوروش و داریوش جز تابندگی و نور شائنی و بذل خیر و برکت بمردم نبود .

قدرت آنها تنها در نیروی معنوی و نیک بدیشی آنها متجلی نمیشود بلکه آنطور که زبان گویای کتیبه‌ها شنیده ایم ، امپراطوری هخامنشی ، از لحاظ وسعت و از نظر سازمان

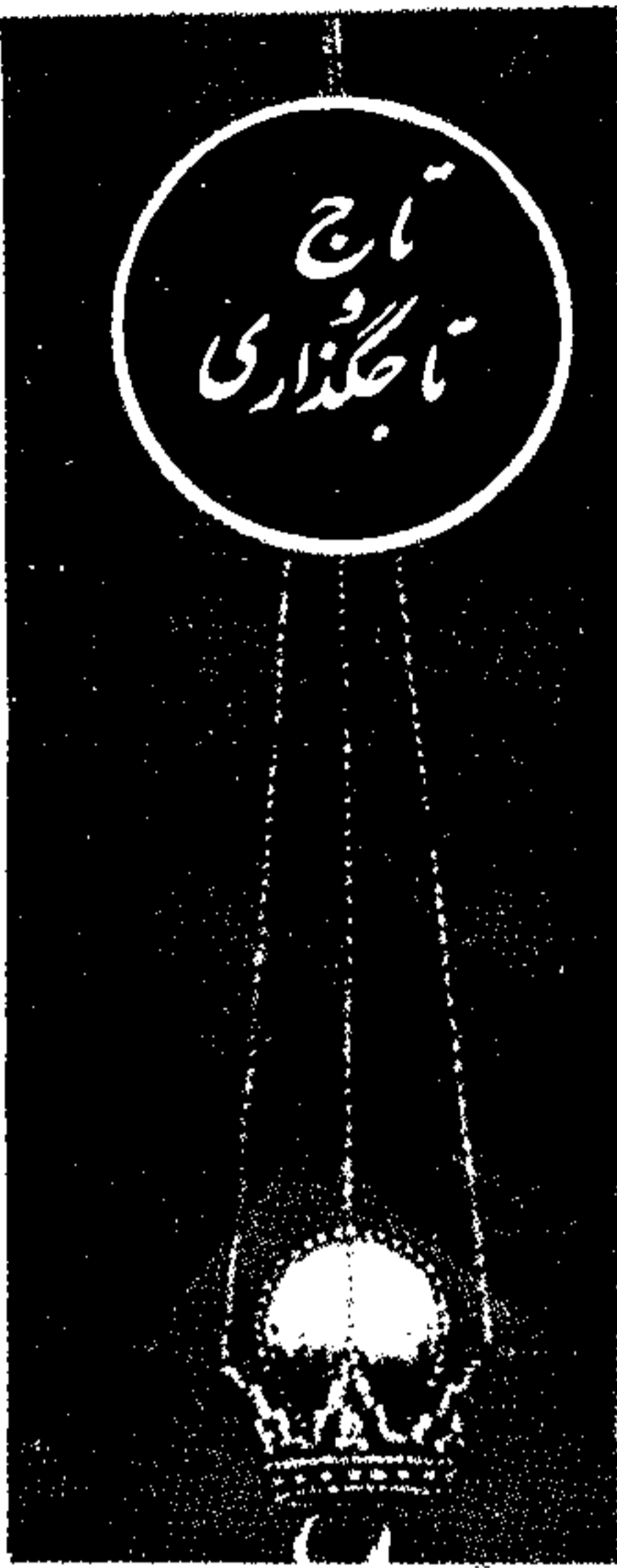
مذبح

نکات جالبی از:

تهیه شده بوسیله : دانش آموزان عضو کمیته جشنهای
دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران
دبیرستان شماره ۲ خوارزمی

تنظیم بوسیله : عبدالعظیم سنجری دبیر و مسئول امور
تربیتی دبیرستان شماره ۲ خوارزمی

تاج تاجگذاری



تاریخ

ویرایش

(۲۰۵-۲۵۹ هجری قمری) در ایران (خراسان)
تأسیس گردید.

پایتخت طاهریان شهر نیشابور (شادیاخ)
بود.

در طی تاریخ دوران صفاریان (۲۴۷-۳۹۳
هجری قمری) و امارت یعقوب لیث صفاری و
امرای دوره سامانی (۲۷۹-۲۸۹ هجری قمری)
بنظر میرسد تشریفات که حاکی از اجراء مراسم
جلوس و تاجگذاری باشد تحقق نیافته است.

پس از سامانیان دوران فرمانروائی آل
زیار یا زیاریان و قیام مرداویج (۳۱۶-۳۲۳
هجری قمری) بر اسفارین شیرویه است، شهرت
بر این است که این امیر زیاری در شهر اصفهان و
کنار زاینده رود بر تخت زرین جلوس نمود و
قصد داشت که برای بار دوم در طاق کسری
(ایوان مدائن) به آئین دربار با عظمت ساسانی ،
مراسم تاجگذاری را انجام دهد .

مشهورترین امیر خاندان آل بویه بادیلمیان
(۳۲۹-۴۴۷ هجری قمری) عضدالدوله دیلمی
فرزند رکنالدوله است که در سال ۳۲۸ هجری
قمری در شهر شیراز، بر تخت سلطنت جلوس نمود
و بلقب شاهنشاه عضدالدوله ملقب شده بود.

در دوران غزنویان (۳۵۱-۵۸۲ هجری)
چندتن از سلاطین این سلسله بنام سلطان جلالالدوله

بیشتر پادشاهان این سلسله که در حدود پنج
قرن (از سال ۲۵۳ پیش از میلاد تا ۲۲۴
میلادی) بر ایران در نهایت قدرت و اعتبار
سلطنت نموده اند ، در پایتخت های آن روز
مانند شهر صد دروازه (دامغان) و هکمتانه (همدان)
و تیسفون مراسم تاجگذاری را انجام داده اند.

بیشتر شاهنشاهان سلسله ساسانی که در
حدود پنج قرن (۲۱۱-۶۷۴ میلادی) در ایران
سلطنت نموده اند، بتقلید از شاهنشاهان هخامنشی
در مراکز و شهرهای آن روز مانند تیسفون و
شهر صد دروازه (دامغان) و هکمتانه (همدان) که
پایتختی انتخاب شده بود، بر اینکه سلطنت جلوس
نموده مراسم تاجگذاری را انجام داده اند.

مهمترین صحنه مراسم تاجگذاری در سلسله
ساسانی ، برگذاری جلوس و انجام تشریفات
سلطنتی و در باری خسرو اول ابو شیروان (۵۳۱-
۵۷۹ میلادی) در تیسفون و کاخ طاق کسرای
(ایوان مدائن) بغداد است.

سابقه تاجگذاری در ایران بعد از اسلام
نهیضت اقوام ایرانی در قرون اولیه اسلام
و پیدایش حس استقلال طلبی و اتکاء بتاریخ
پرافتخار گذشته موجب گردید که جنبش های ملی
در سراسر کشور ایران وسعت یابد تا آنکه در
نتیجه قیام های مختلف تاریخی سلسله طاهریان

در ایران باستان جلوس شاهنشاهان بر تخت
سلطنت و اجراء مراسم تاجگذاری از جمله آئین-
های باستانی و مذهبی و سنت ملی و تاریخی
بشمار می آمده است.

این رسم فرخنده در دوران هخامنشی و
اشکانی و ساسانی و بعد از اسلام و تا عصر حاضر
در کشور کهن سال ایران اجراء شده و برگذاری
تشریفات آن که خواسته مردم این سرزمین بوده
و هست در عداد مهمترین سنن ملی و اجتماعی این
مرز و بوم جای دارد .

کوروش کبیر (۵۵۹-۵۲۹ پیش از میلاد)
بنیان گذار شاهنشاهی ایران و نخستین اعلام کننده
حقوق انسانی که بفرمان کوروش کبیر مشهور است،
پس از فتح بابل (۵۳۹ پیش از میلاد) بنا
بدرخواست مردم آن سرزمین در کاخ پادشاهی
بابل، بر تخت پادشاهی نشست .

داریوش بزرگ در پاسارگاد برابر آرامگاه
کوروش کبیر تاج شاهنشاهی را بر سر نهاد و ضمن
انجام تشریفات مذهبی و درباری، دختر کوروش را
در مقام و عنوان ملکه ایران معرفی نمود .

مؤسس سلسله اشکانسی بنام ارشک
(ارشک) در سال ۲۴۷ پیش از میلاد، در شهر ارشک
در محل آتشکده معروف به آناهیتا (استخر)
تاجگذاری نمود .



یکی از شاهنشاهان اشکانی
بهنگام تاجگذاری

در فاصله سالهای ۶۶۳ - ۷۵۶ هجری قمری که دوران حکومت ایلخانان مغول ایران نامگذاری شده است، ایلخان معروف و مسلمان مغول بنام سلطان محمود غازان (۶۹۴ - ۷۰۲ هجری قمری) در اواخر سال ۶۹۴ هجری قمری که مصادف با نوروز آن سال میشد در شهر تبریز بر تخت ایلخان و سلطنت جلوس نمود.

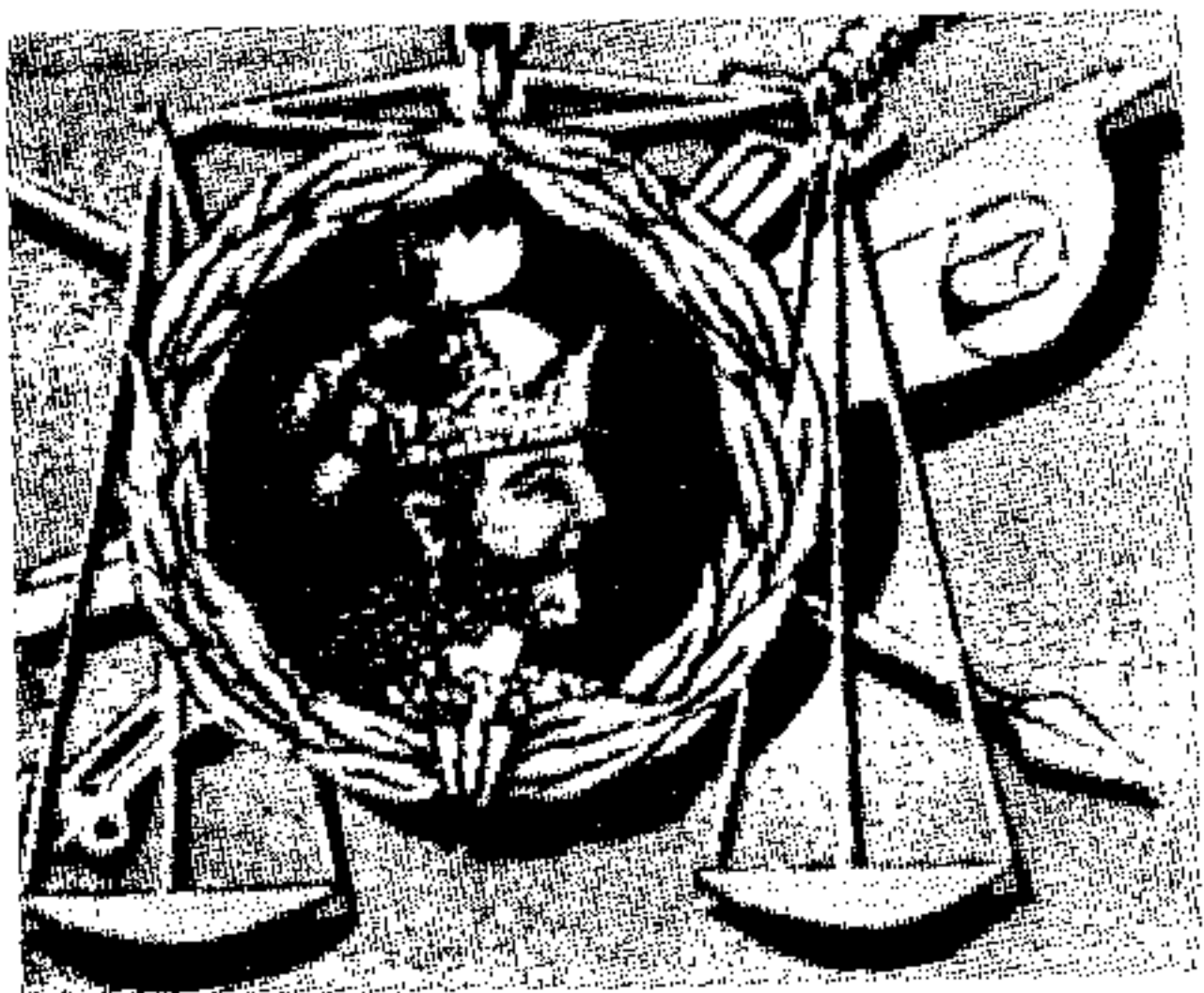
در خلال دوران حکومت آل جلایر یا امرای ایلکانی (۷۴۰ - ۸۲۷ هجری قمری) و آل مظفر (۷۲۳ - ۷۹۵ هجری قمری) و آل کرت (۶۴۳ - ۷۸۳ هجری قمری) و سرداران (۷۳۶ - ۷۸۸ هجری قمری) در باب مراسم جلوس دو تن از امراء آل جلایر بنام امیر شیخ ادبی و سلطان حسین فرزند او یس قصائدی سروده شده است.

مراسم تاجگذاری پادشاهی شاه اسمعیل اول توأم با تشریفات فراوان در پایتخت و اماکن

و سلطان ظهیرالدوله در ناحیه نیشابور (شادباغ) خراسان غزنین در شهر بیهق (سبزوار کنونی) بر تخت سلطنت جلوس نمودند و مجلس تاجگذاری برپا کردند.

در ایام سلطنت سلاطین سلجوقی (۴۲۹ - ۵۹۰ هجری قمری) مؤسس و اولین سلطان این سلسله، طغرل سلجوقی بنا بشیوه و سنت سلاطین سلسله‌های قبل در باغ شادباغ نیشابور با تشریفات خاص و پرشکوهی بر تخت سلطنت جلوس نمود.

در زمان خوارزمشاهیان (۴۹۰ - ۶۲۸ هجری) دو تن از سلاطین این سلسله به برگذاری آئین تاجگذاری اقدام نموده‌اند، یکی علاءالدین (۵۲۲ - ۵۵۱ هجری قمری) است و دیگری سلطان علاءالدین تکش در هنگامی که از مازندران بسوی رادقان طوس عازم بود، در همین ناحیه بر تخت سلطنت جلوس نمود.

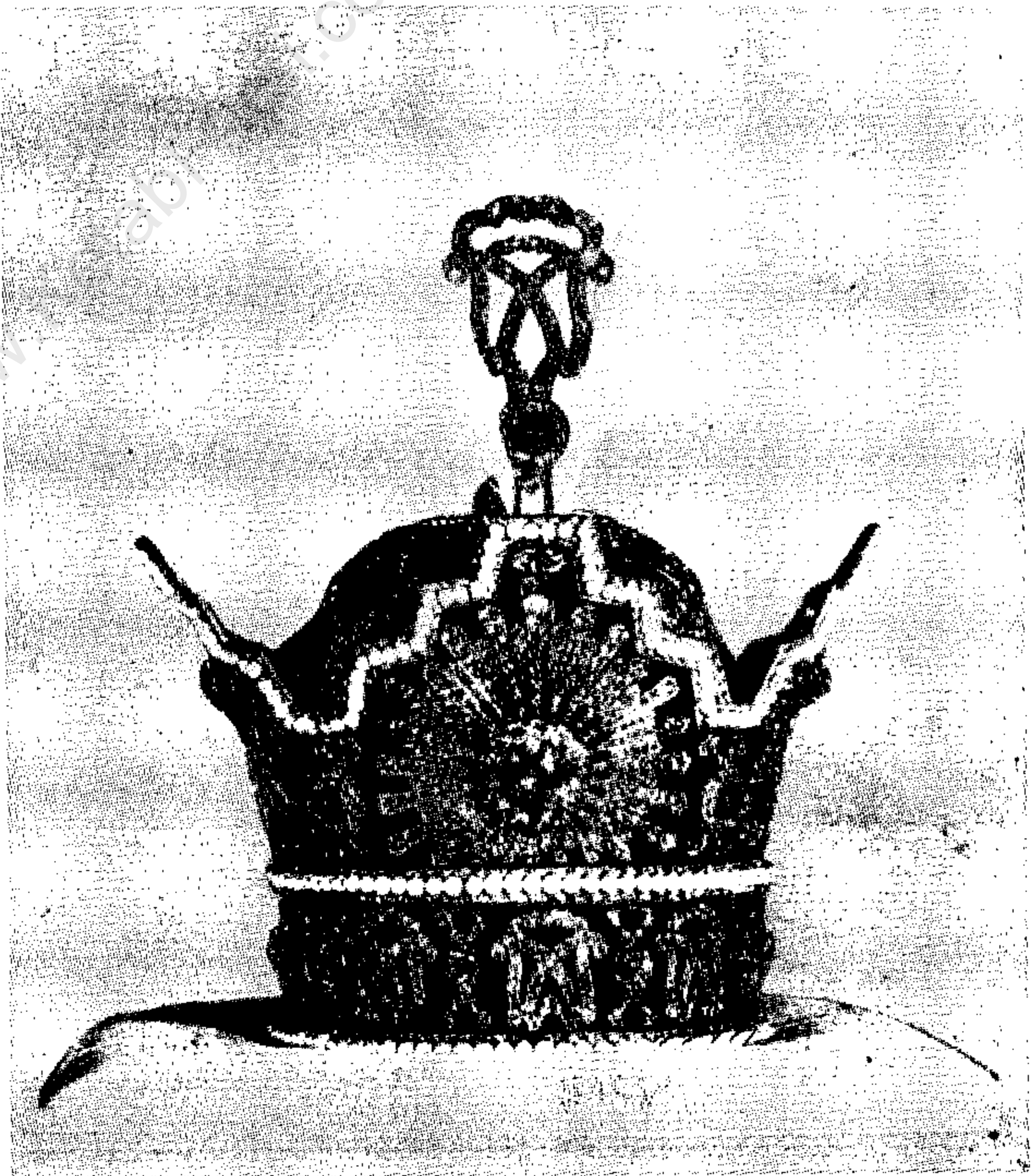


تصویری از سکه تاجگذاری
انوشیروان عادل
از سلسله «ساسانیان»

مهم سلطنتی بر گذار گردیده است، این مراسم بتدریج در دوران سلاطین بعدی صفوی بمسئلهای جلال و عظمت رسیده است.

نادر شاه افشار پس از توفیق در تنظیم تعهد نامه یا وثیقه تاریخی دشت مغان دایر بر قبول سلطنت موروثی خود و اجتناب مردم از لعن خلفای سه گانه و پیروی از اهل سنت در صدد اجراء مراسم تاجگذاری در دشت مغان آذربایجان برآمد و در سراپرده یا خیمه نادری مراسم جلوس و ایراد خطبه و تاجگذاری نادر بر روی تخت نادری انجام گرفت.

در دوران سلسله خاندان زند (۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ هجری قمری) - با اینکه سر سلسله آنان کریم خان زند، مصدر خدماتی بایران شد لیکن حاضر بقبول عنوان سلطنت نگردید و پس از مرگ وی، بعلت بروز اختلافات در بین جانشینان



تاج پهلوی



تاج علیا حضرت شهبانو که در سال ۱۳۴۶ ساخته شده با کلاه ۱/۴۸۰/۹۰۰ کیلوگرم وزن دارد و از سی و شش عدد زمره - ۳۶۰ عدد یاقوت - ۱۰۵ عدد مروارید - ۱۴۶۹ قطعه برلیان و ۱۶۴۶ قطعه جواهر ساخته شده است.

تاج پهلوی که یک بار بر تارک سر سلسله دودمان پهلوی در خشیدودر ۴ آبان ۱۳۴۶ شاهنشاه آریامهر، آنرا بر سر نهادند. بوسیله سراج الدین جواهری ساخته شده ۴۴۴ مثقال وزن دارد که از ۳۳۸۰ قطعه الماس - ۱۰ قطعه زمره - ۲۰ قطعه یاقوت کبود - ۳۶۸ حبه مروارید - ۲۲۵ مثقال طلا و جواهر و ۶۹ مثقال مخمل سرخ رنگ ساخته شده است

سلطنتی و گلستان نامیده میشود، حافظ گنجینه‌ای از آثار گرانبها و نادر، زمان است، دو تخت سلطنتی و گرانبهای نادری و طاووس با چهلچراغ بزرگ و گلدانهای ذیقیمت، در آنروز جلال و شکوه خاصی باین تالار تاریخی داده بود. مراسم تاجگذاری اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانو ملکه فرح نیز که چند سال قبل با شکوه و جلال خاص انجام شد، عظمت و شکوه شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران را مسلم و مستحکم ساخت.

نمایندگان سیاسی و بانوان و علما و قضات و امرا و بزرگان و افسران و نمایندگان شهرستانها و بازرگانان و اصناف و ارباب مطبوعات با تجلیل فراوان برگزار گردید. در این مجلس تاریخی، والا حضرت ولیعهد رضا پهلوی که در آن سال دوران هفت سالگی را میگذرانیدند در پیشاپیش هیأت دولت وقت، در این مراسم شرکت و در سمت راست تخت نادری توقف فرمودند. تالار محل تاجگذاری که بنام تالار موزه

خان زند در برگزاری مراسم جلوس و تاجگذاری انجام نشد. پادشاهان قاجاریه - (۱۲۰۹ - ۱۳۴۴ هجری قمری) بترتیب، از آغا محمد خان تا آخرین آنان مراسم تاجگذاری را انجام دادند. ۱۹ - مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه کبیر سردودمان عظیم‌الشان سلسله پهلوی در روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ خورشیدی برابر با شوال ۱۳۴۴ هجری قمری در تهران در محل تالار بزرگ کاخ گلستان و با حضور

تاج شاهنشاهان ایران



نادرشاه برای خود تاج مخصوصی دستور داد که بشکل استوانه بود و بر آن جواهرات گرانبها، در نقش‌های بت‌جقه‌ای نصب شده بود.

بازنجیری از طلا بر بالای تخت آویزان میکردند، و چهار مجسمه انسان در چهار طرف تخت، تاج را با دست نگاه میداشتند. تاج ملکه همسر تیمور، کلاهی مرواریدنشان بود و بالای آن پر سفیدی قرار داشت، نوک پر بامروارید آراسته شده بود و پائین خم میشد و قسمتی از صورت ملکه را میپوشاند. پادشاهان صفوی بعلت علاقه بسیار به مذهب شیعه، تاج مخصوصی که آنرا قزلباش مینامیدند بر سر میگذاشتند.

شاه اسماعیل اول تاجی سرخ رنگ که ۱۲ شیار داشت و نمونه ۱۲ امام بود بر سر گذاشت. تاج نادرشاه به شکل استوانه بود و روی آن گوهرهای گرانبهائی میدرخشید.

چهل و چهار سال قبل برای تاجگذاری رضا شاه کبیر، تاج بسیار زیبایی ساختند که به گوهرهای گرانبهائی آراسته است و این تاج هم اکنون در خزانه بانک ملی ایران نگهداری میشود و در سال ۱۳۴۶ همانطوریکه همه بیاد داریم مراسم باشکوه تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو بر پا گردید.

جسته داریوش بزرگ در تخت جمشید دیده میشود، داریوش بر تخت نشسته و ولیعهد او خشایارشا در پشت سر او ایستاده است، هر دو تاجی بر سر دارند. در یکی از نقشهای بر جسته بیستون می بینیم که داریوش بزرگ، تاجی کنگره دار بر سر دارد، ملکه نیز تاجی داشته است اما درست معلوم نیست که تاج ملکه به چه شکل بوده است. اشکانیان که در حدود ۴۸۰ سال در سرزمین ایران سلطنت کردند، در مراسم تاجگذاری، تاجی بر سر میگذاشته و کمربندی بر کمر میبسته اند که شکل آنها را فقط روی سکه‌هایی که از آن زمان پیدا شده است می توانیم بینیم. در ابتدا پادشاهان اشکانی کلاه کوتاهی به سر میگذاشتند که شبیه بنمخروط بود و بعدها نیمتاج که نواری پهن داشت به سر میگذاشتند و نواری آنرا بدور سر می بستند و در پشت سر آنرا گره می زدند و دنباله اش پشت سر آویزان بود.

بعضی از پادشاهان اشکانی، نیمتاج بر سر می گذاشتند و این نیمتاج را با جواهر و مروارید، آرایش میدادند. پادشاهان ساسانی در تزئین کلاه از جواهرات بسیاری استفاده میکردند و این جواهرات بیشتر از جنس مروارید بود و باعث سنگینی بیشتر تاج بطوریکه تحمل آن را دشوار میکرد. تاج را بازنجیری از طلا بر بالای تخت جواهر نشان آویزان میکردند تا هنگام نشستن پادشاه بالای سرش قرار گیرد.

بعد از ساسانیان در حدود دو یست سال کشور ماد، در دست خلیفه‌های عرب بود. خلیفه‌ها که خود را جانشین پیغمبر اسلام میدانستند بجای تاج عمامه بر سر میگذاشتند و وقتی که پادشاهان ایرانی در خراسان حکومت میکردند و در آنجا حکومت پادشاهی پیا کردند، بجای تاج عمامه ای که آنرا با جواهرات گرانبهائی زینت داده بودند بکار میبردند. نخستین خاندان ایرانی که بعد از اسلام برسم شاهان دیگر ایران تاجگذاری کرد خاندان زیار بود، مرد اویچ نخستین پادشاه زیاری در جشن سده در اصفهان بر تخت زرین نشست و تاج زرین بر سر گذاشت.

پادشاهان غزنوی هم مانند ساسانیان، تاج را

تهیه و تنظیم از: محبوبه شرفی
دانش آموز سال ۵ دبستان جهان معرفت

اولین قوم آریائی که در سرزمین ایران حکومت میکردند مادها بودند، از آن زمان دو هزار و هفتصد و دو سال میگردد، پادشاهان ماد یکصد و پنجاه سال پادشاهی میکردند. تاریخ نویسان نوشته اند که پادشاهان ماد در مراسم رسمی بر تخت می نشستند و تاج بر سر میگذاشتند، ولی تا کنون نقش بر جسته یا مجسمه‌ای از پادشاهان ماد بدست نیامده است که نشان دهد شاه بر چه تختی می نشست و چه تاجی بر سر میگذاشته است، کورش بزرگ که دولت ماد را شکست داد، در همدان که آنرا هکمتانسه می گفتند بکاخ پادشاه رفت و تاج مادها را بر سر گذارد. کورش که یکی از پادشاهان بزرگ هخامنشی بود، هر کشوری را که فتح میکرد، مطابق آداب و رسوم مردمان همان کشور رفتار میکرد. پادشاهان هخامنشی همه تاج بلندی به شکل استوانه بر سر میگذاشتند و چنانکه در نقش بر



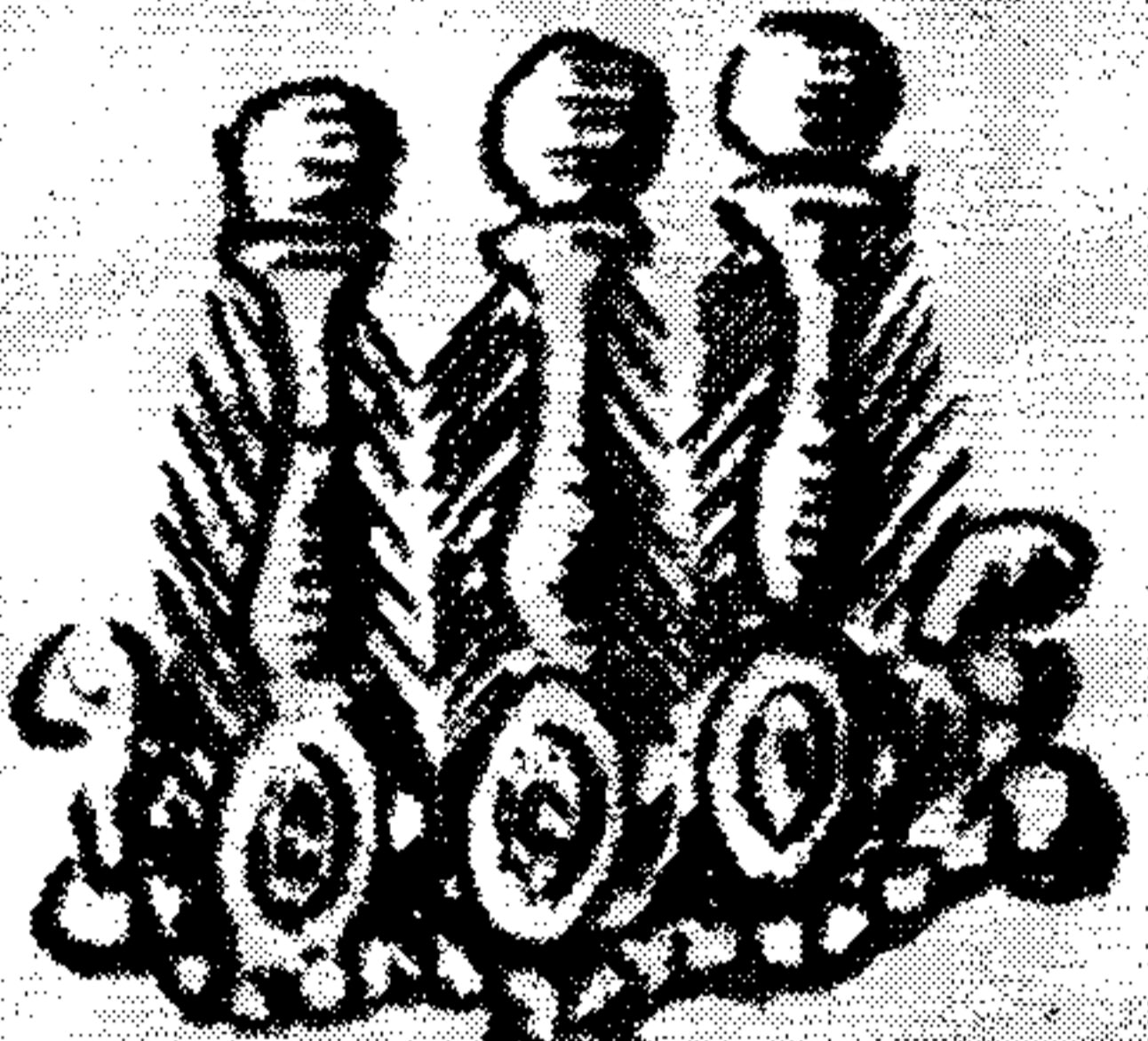
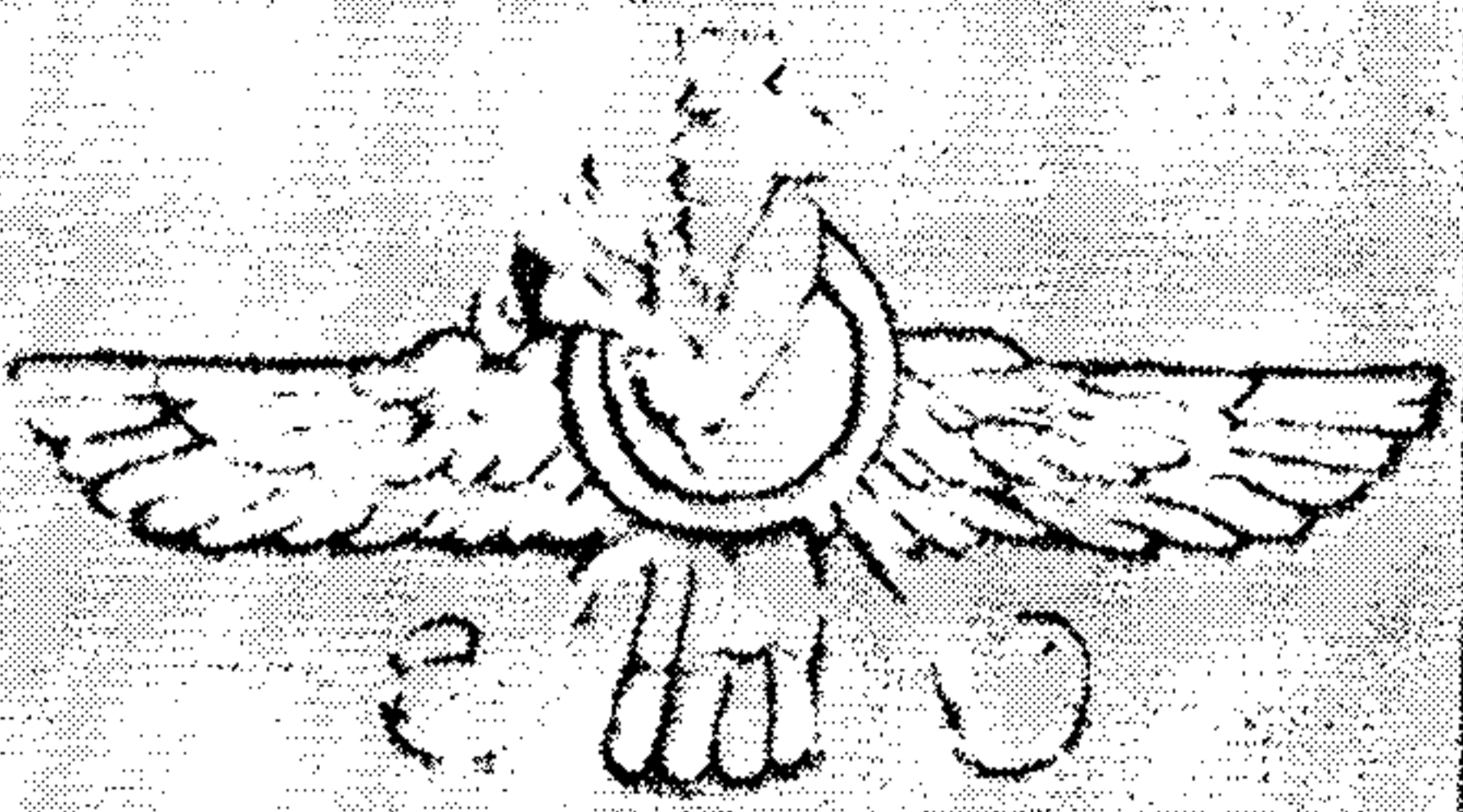
تاج سلسله صفوی به بعلت علاقه خاص آنها به مذهب اسلام، بشکل عمامه بود که با جواهرات مختلف و پر مرصع مزین بود

از پیام نوروزی شاهنشاه آریا محمد در مورد اعلام



سالی که اینک آغاز می‌شود سال برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران است و از این جهت به نشان ادای احترام ملی به خاطر بنیانگذار این شاهنشاهی، این سال را سال کوروش بزرگ اعلام می‌کنیم. مسأله بهترین هدیه‌ای که می‌توانیم در آغاز چنین سالی به این قهرمانی جاودانی تاریخ ایران بدیم، وجود ایرانی سربلند و مترقی و آباد است که با اتکا به میراث عظیم گذشته خود، روی به آینده‌ای با چشم درخشانتر دارد و به پیروی از سنتی که بدست کوروش هخامنشی اساس شاهنشاهی ایران قرار گرفت، همچنان مدافع اصول عالی‌بشروستی و احترام حقوق انسانی و دفاع از موازین جاودانی عدالت و معنویت در دنیای امروز است.

شاید در تاریخ جهان موردی دیگر نتوان یافت که ملی غیر غم‌سگین‌ترین حوادث و سوانح، اصالت روحی و شخصیت معنوی خویش را تا بدین درجه حفظ کرده باشد و توانسته باشد با الهام از همین نیروی لایزال، پس از زهر دوران فرتنی بار دیگر نیرومندتر و سازنده‌تر از گذشته راه پرافتخار خویش را بسوی آینده‌ای درخشان از سر گیرد. سالی که گذشت یکی از درخشانترین سالهای تمام دوران تاریخ ایران بود. سالی که اکنون آغاز شده است بیگان در تاریخ دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران مقامی خاص خواهد داشت، زیرا این سال بر اساس امید و اعتماد کامل شروع می‌شود. ملت ایران اکنون بیش از هر وقت دیگر به شخصیت ملی و جهانی خویش، به ارزشهای جاودانی تمدن و فرهنگ ایرانی، به اصالت هدفهای روشن و بزرگی که برای خود برگزیده است و به اهمیت رسالتی که تاریخ از آغاز بعهد به این ملت قرار داده است، ایمان دارد.



کورس کبیرانی امپراطوری
عظیم ایران و شاهنشاهی
بختیاری است

مسابقات ورزشی «هخامنش»

که جسماً در نهایت سلامت و نشاط هستیم اگر خبر ناگواری بما برسد فوراً فشار خون بالا می رود و رنگ چهره تغییر می کند و خلل در

ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۲۵ اسفند ۱۳۴۹ جشن ورزشی باشکوهی بنام «جشن هخامنش» از طرف تربیت بدنی آموزش و پرورش ناحیه چهار بمناسبت سالروز تولد اعلیحضرت رضا شاه کبیر در سالن ورزشی رضا پهلوی در حضور عده زیادی از مقامات فرهنگی، دانش آموزان و اولیاء آنها برگزار گردید.

این جشن پس از استقرار ورزشکاران با نواختن سلام شاهنشاهی آغاز گردید، سپس رژه عمومی دانش آموزان ورزشکار اجرا شد و پس از آن آقای مرادی مسئول تربیت بدنی ناحیه چهار بحضور خیرمقدم گفت. سپس خانم نراقی ریاست آموزش و پرورش ناحیه چهار سخنرانی بشرح زیر ایراد نمود:

خانمها، آقایان، ورزشکاران عزیز حضور شما در جشن پایان مسابقات ورزشی این ناحیه که بمناسبت زادروز رادمرد بزرگ تاریخ معاصر و بنیانگذار ایران نوین اعلیحضرت رضاشاه کبیر برگزار میگردد باعث تشویق قهرمانان ما و مریبان آنهاست و ما را بیشتر از پیش در راه تربیت روح و جسم جوانان ترغیب مینماید.

با فعالیت و کوششی که مسئول دایره تربیت بدنی این ناحیه و مریبان ورزش دوست مدارس، در پیشرفت امور ورزشی دبستانها و دبیرستانها بعمل می آورد، حقاً در این مجلس باید از خدمات اینگونه افراد علاقمند قدردانی بعمل آید، ولی می دانم همکارانم به آنچه مربوط به امر ورزش است بیشتر علاقه دارند.

ما هیچوقت وظیفه سنگین خود را فراموش نمی کنیم و می دانیم که بجز آموزش، پرورش نیز وظیفه ماست و همانطور که مقام عالی وزارت آموزش و پرورش مکرر فرموده اند پرورش بر آموزش ارجحیت دارد، یک جسم سالم بهتر فرا میگیرد و بهتر می آموزد، اینجا شاهدهی بیاوریم از استاد سخن حکیم ابوالقاسم فردوسی:

ز نیرو بود مرد را راستی

زستی کزی آید و کاستی

دانشمندان جسم و روح را بدوسیم الکتریسته مثبت و منفی تشبیه کرده اند، چنانکه می دانید اگر نقصانی در هریک از این دوسیم بوجود آید اثر مترتب بر آن که برق و روشنائی باشد بدست نخواهد آمد، عملاً تجربه کرده ایم، در مواقعی

ارکان بدن ایجاد می گردد، همینطور هنگامی که جسم ما توانائی خود را از دست می دهد و رنجور می گردد، حتی با نبودن هیچگونه نگرانی ناگهانی باز هم عقل و روح از کار خواهد افتاد. پس این هر دو عاملند که می بایستی پایه زندگی را استوار سازند.

جان دیویس که قسمت اعظم زندگی خود را صرف مطالعه در پیرامون استفاده از ورزش برای درمان بیماریهای روحی کرده است چنین خاطرنشان می کند، ورزش حس عزت نفس را تشویق، شخصیت را تقویت و نیروی انطباق



با توجه بعنوان جالب «مسابقات ورزشی هخامنش»، این طرح که نمودار قدردانی و تشویق شاهنشاهان هخامنشی از ورزشکاران است، برای بری کارتهای دعوت آن مسابقه، انتخاب شد که البته موجب جلوه خا کارتهای مذکور و باعث تحسین کسانی گردید که، نمونههایی از کارتها بدستان رسید



خانم نراقی، ریاست اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران در هنگام سخنرانی در مراسم برگزاری مسابقات ورزشی هخامنش



دسته موزیک دبیرستان آزرم با لباسهای زیبا و برنامههای جالب و آهنگهای مهیج، در مراسم برگزاری مسابقات ورزشی هخامنش، شور و نشاط خاص ایجاد کردند.



ورزشکاران مدارس مختلف اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران با پرچمها و لباسهای مخصوص قبل از شروع مسابقات ورزشی هخامنش، بطرز باشکوهی رژه رفتند.

باحقایق را افزایش می دهد و پایه ای برای ابراز مهارت در کارها ایجاد می نماید که براساس آن تطبیق روحی مؤثرتر صورت می گیرد، البته در مذهب مقدس اسلام نیز باین امر مهم اشاره شده است. ایرانیان باستان نیز عشق فراوان به ورزش داشته و آنرا برای تأمین تعادل پرورش بین جسم و جان ضروری دانسته و بیشتر برای تقویت روح سلحشوری و آزادگی و درست کرداری خودبکار می برده اند.

تاریخ دوهزاروپانصد ساله شاهنشاهی ایران نمودار پرارزشی از این توجه است و می بینیم در کلیه ادوار تاریخی این کشور روح قهرمانی و پالک اندیشی مورد ستایش بوده است. خانواده ها برای تربیت فرزندان خود آموزش فنون ورزشی را سرلوحه امور تربیتی قرار می دادند، و معتقد بودند جسم سالم، روحی شجاع و راستگو و درستکار بوجود می آورد.

بسیاری از ورزشهایی که امروز در دنیا رایج است از قبیل اسب سواری، چوگان، تیراندازی، کشتی و شمشیر بازی در ابتدا از سرزمین ما ریشه گرفته و ایرانیان همواره سرآمد دیگران بوده اند، فتنی که در ایران باستان در کشتی آزاد بکار برده می شد امروزه برای کشورهای هائی که به این ورزش آشنائی دارند موجب تعجب و حیرت است، اکنون هم کشور ما، در اثر رهبریها و دستورات مؤکد شاهنشاه آریامهر که خود یکی از بهترین ورزشکاران نمونه جهان و مشوق راستین و حامی ورزشکاران هستند، در کلیه رشته های ورزشی پیشرفتهای محسوسی بوجود آمده است، تأسیسات ورزشی مدرن مانند استادیوم یکصد هزار نفری المپیک، بنابر امر همایونی در آینده نزدیک مورد بهره برداری قرار می گیرد. همچنین چندین استادیوم سی هزار نفری دیگر در تهران و استانها بزودی گشایش خواهد یافت. این وظیفه جوانان ایرانی است که از این وسایل و امکانات که برای رفاه آنان بوجود آمده حداکثر استفاده را نموده و با فعالیت های پی گیر و مداوم در میدانهای قهرمانی جهان بعنوان ورزشکارانی نمونه و مزین به صفات اخلاقی پرچم افتخار شاهنشاهی ایران را باهتر از در آورند ما زنان و دختران که از رنج زنجیر اسارت زمان رهائی یافته ایم و در اثر برخورداری از آزادی اعطا شده همه گونه امکانات پیشرفت برایمان فراهم است، در امر ورزش نیز می بایستی استعداد و شایستگی خود را بمنصه ظهور برسانیم، و با پیروی از صفات عالیة شهبانوی عزیز و ورزش دوست دوشادوش مردان برای کسب افتخار در سطح جهانی بکوشیم و شخصیت



ریاست اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران، طی برگزاری مسابقات ورزشی هخامنش، برفسای مدارس که در سال جاری تحصیلی، براساس مسائل اجتماعی، ورزشی و هنری، فعالیت‌های مؤثر و قابل توجهی داشته‌اند، جوایز و هدایایی اهداء کرد.

زن ایرانی را با پیروزیهای پی‌درپی به‌جهانیان بشناسانیم.

موفق در راه سازندگی ایرانی سربلند با رهبری شاهنشاه ورزش‌دوست، و با همت ورزشکاران، و سلحشوران ایران.

پس از آنکه سخنرانی ریاست اداره، پایان رسید، یک مسابقه والیبال بین تیمهای دبیرستانهای بصیر و ایرانشهر، برگزار شد که تیم دبیرستان

بصیر برنده گردید.

پس از آن دختران دانش آموز، دبیرستان آرزم همراه دسته موزیک آن دبیرستان، عملیات موزونی انجام دادند که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

سپس مسابقه والیبال دختران ورزشکار دبیرستان آرزم و شاهدخت انجام شد که در نتیجه تیم دبیرستان شاهدخت برنده گردید.

نتایج مسابقات قهرمانی پسران در مسابقات شورای ورزشی آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران

بسکتبال

دوره اول		دوره دوم	
۱- کامیونتی اسکول	مقام اول	۱- کامیونتی اسکول	مقام اول
۲- دبیرستان مدرس	مقام دوم	۲- دبیرستان خرداد شماره ۲	مقام دوم
۳- دبیرستان خاقانی	مقام سوم	۳- دبیرستان خاقانی	مقام سوم

والیبال

دوره اول		دوره دوم	
۱- دبیرستان ایرانشهر	مقام اول	۱- دبیرستان بصیر	مقام اول
۲- دبیرستان بصیر	مقام دوم	۲- دبیرستان ایرانشهر	مقام دوم
۳- دبیرستان وصال شیرازی	مقام سوم	۳- دبیرستان وصال شیرازی	مقام سوم

فوتبال

۱- دبیرستان ۱۵ بهمن	مقام اول	دبیرستان شاهرضا	مقام دوم
دبیرستان ایران باستان			

پینگ پنگ

دوره اول		دوره دوم	
۱- دبیرستان خاقانی	مقام اول	۱- دبیرستان ایرانشهر	مقام اول
۲- دبیرستان ایرانشهر	مقام دوم	۲- دبیرستان بوعلی سینا	مقام دوم
۳- دبیرستان بوعلی سینا	مقام سوم	۳- دبیرستان مدرس	مقام سوم

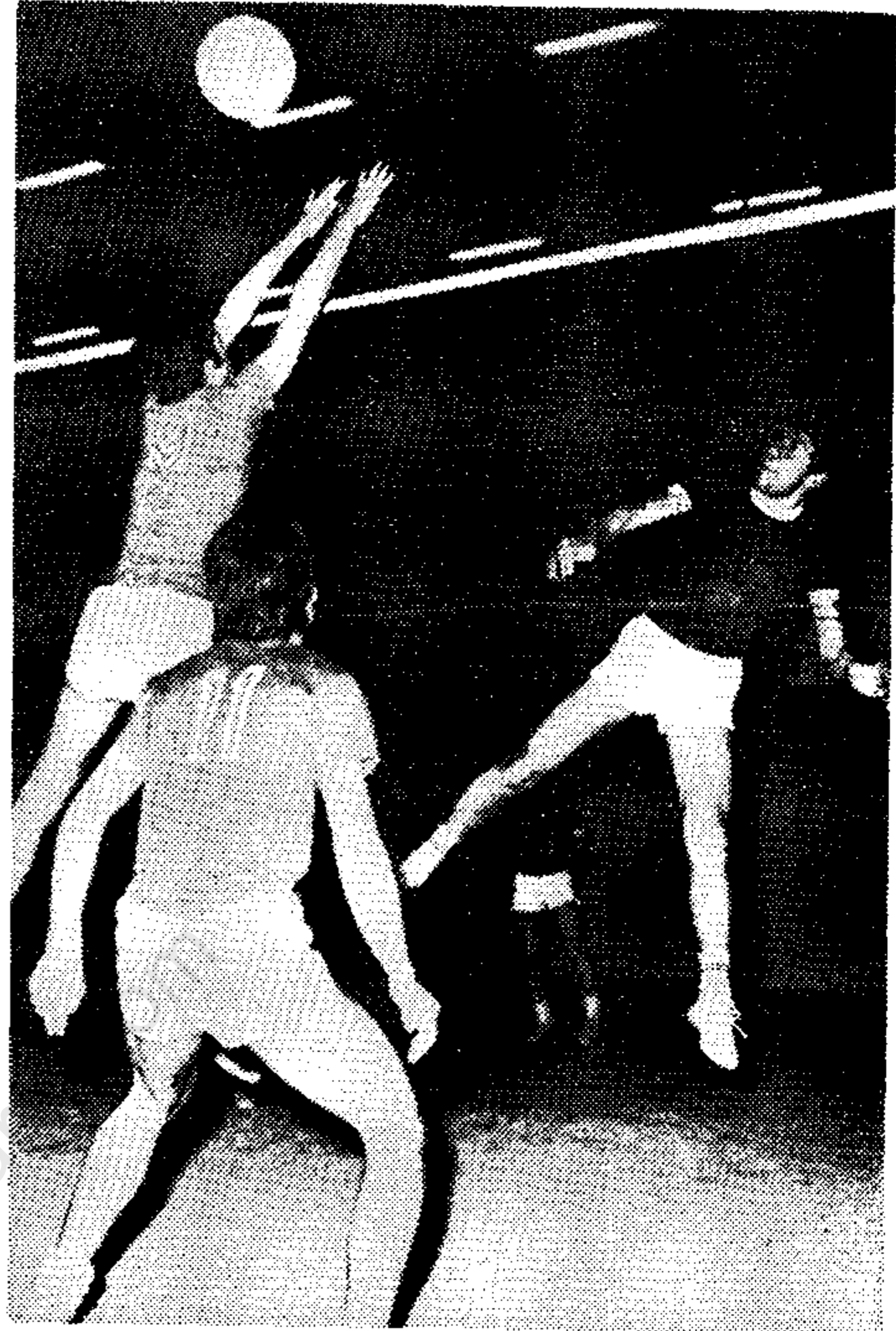
نتایج مسابقات قهرمانی دختران در مسابقات شورای ورزشی آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران

والیبال

دوره اول		دوره دوم	
۱- دبیرستان شهناز	مقام اول	۱- دبیرستان سخن	مقام اول
۲- « مهدا »	مقام دوم	۲- « شهدخت »	مقام دوم

پینگ پنگ

دوره اول		دوره دوم	
۱- دبیرستان افروز	مقام اول	۱- دبیرستان آذر میدخت شرقی	مقام اول
۲- « شهناز »	مقام دوم	۲- « گوهرشاد »	مقام دوم
۳- « گوهرشاد مقام سوم »		۳- « آزر »	مقام سوم



دانش آموزان مدارس مختلف حوزه فعالیت اداره آموزش و پرورش ناحیه چهار تهران، هنگام برگزاری مسابقات ورزشی هخامنش و طی مبارزاتی که در رشته های گوناگون ورزشی، جریان داشت، از خود استعداد و شایستگی قابل تحسینی نشان دادند

دبیرستان سخن

- » ناموس
- » گوهر
- » ۲۲ مهر
- » فرح
- » بصیر
- » خاقانی
- » آذر میدخت شرقی
- » آهنگ دانش

دبستان کیمیا

- » بوستان آرامنه

با بهترین تشکرات، یاد آوری می شود: اعضاء انجمنهای خانه و مدرسه و مسئولین و مدیران محترم مدارس که نامشان منعکس شده است، با علاقه صمیمانه، در مورد تأمین امکانات انتشار این نشریه کمک کرده اند.



خانم عندلیبی ریاست، دبیرستان دخترانه سخن در حال گفتگو با چند تن از دانش آموزان آن دبیرستان که نشریه جالب «فروهر» را تنظیم کرده اند.



دانش آموزان علاقمند و مسئول تهیه روزنامه در دبستان نمونه بامداد در حال مذاکره در باره مطالب، روزنامه ای که در دست تهیه دارند



گروه مسئول تهیه روزنامه در کمیته جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دبیرستان ۲۲ مهر

تهیه نشریه

در مدارس

دانش آموزان مدارس مربوط با اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران، با استفاده از نظرات و راهنماییهای معلمان خود، برای موضوعات مربوط بتاریخ دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران، نشریات و روزنامه‌هایی تهیه میکنند که نمودار ذوق و اشتیاق قابل تحسین آنهاست.

روز ۲۴ اسفند ۱۳۴۹ ، سالروز تولد
 اعلیحضرت رضا شاه کبیر ، بنیان گذار ایران
 نوین، امدادگران و جوانان شیر و خورشید
 سرخ اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران،
 با دسته موزیک مخصوص خود ، بطرز با
 شکوهی در حضور والاحضرت شاهدخت
 شمس پهلوی ، ریاست عالیہ جمعیت شیر و
 خورشید سرخ ایران ، رژه رفتند.



اعضاء تیم جمع آوری تمبر در
 دبیرستان شماره ۲ خوارزمی که در
 انجام کار جالب و با ارزش خود ،
 امتیازات قابل توجهی کسب کرده اند
 باتفاق خانم قدسیه میراشرافی مسئول
 امور تربیتی اداره آموزش و پرورش
 ناحیه ۴ تهران



خانه پیش آهنگی اداره آموزش
 پرورش ناحیه ۴ تهران، کانون صمیمانه
 و اطمینان بخشی برای دانش آموزان
 و خانواده های آنها است .



امور تربیتی اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران بین دانش آموزان مدارس این بخش، مسابقات مخصوصی در زمینه مسائل تاریخی ایران ترتیب داد که با استقبال خاص روبرو شد. این عکس یکی از جلسات برگزار شده مسابقات مذکور را که بنام «کوروش کبیره» نامیده شده نشان میدهد و مسئولین امور تربیتی اداره، مشغول نظارت و گفتگو با دانش آموزان شرکت کننده در مسابقات هستند.



پیش آهنگان مدارس مربوط به اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران در جشنهای فرهنگ و هنر سال تحصیلی جاری، نمایشگاه جالبی ترتیب دادند که مورد بازدید شده زیادی قرار گرفت و تمام بازدیدکنندگان، ذوق و زحمات دانش آموزان را تحسین کردند.

دانش آموزان پسر پیش آهنگ مدارس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران، طی سال ۱۳۴۹، چندین بار در منظریه و سایر مراکز اجتماعی پیش آهنگان، بطور دسته جمعی و براساس اصول و برنامه های پیش آهنگی زندگی و فعالیت کردند.





فرحناز خدایار از دبیرستان آزر
اول در رشته «کلارینت»



آقای رسول زینال از دبیرستان
ایران باستان اول در رشته «تار»



محمد رضا آزاد بخت از دبیرستان
ایران باستان، اول در رشته «قره نی»



آفت محلاتی نیا از دبیرستان فرح
اول در رشته «گیتار برقی»



قدسیه شویز از دبیرستان گوهرشاد
اول در رشته «خط نستعلیق»



زاره حاج محمود عطار از دبیرستان
ایران باستان اول در رشته «فن بیان»



حسن صدفی از دبیرستان بصیر
اول در رشته «ویلن»

برندگان در مسابقات هنری
فرهنگک استان که در مدارس
اداره آموزش و پرورش
ناحیه ۴ تهران، مشغول
تحصیل هستند

دائرة آموزش و

پرورش استان تهران

بمنظور تشویق نوجوانان در زمینه فعالیت های هنری، مسابقاتی برگزار میکند که در پایان هر سال، دانش آموزان تمام آموزشگاهها بتوانند در این مسابقات شرکت کرده و ابراز ذوق و استعداد نمایند. در سال گذشته هزار و صد نفر از دانش آموزان در مسابقات مربوط برشته های مختلف نقاشی، خط، روزنامه نگاری، خیاطی، کاردستی، ابتکاری، گل سازی، موسیقی، آواز، فن بیان، حرکات موزون، شطرنج و کلکسیون تمبر شرکت نمودند.

مسابقات مزبور در محل دبیرستان شاهدخت برگزار گردید و برای هر یک از رشته های هنری فوق هیئت ژوری خاصی حضور داشتند.

در این مسابقات ۱۶۰ نفر مقام های اول تا سوم را بدست آوردند، و ۳۲ نفر از برندگان اول اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ تهران در مسابقه نهائی که در محل دبیرستان البرز تشکیل شده بود با اتفاق دانش آموزان برنده سایر نواحی تهران شرکت کردند و از میان آنها هفت نفر بمقام اول و هشت نفر بمقام سوم رسیدند.

برندگان مسابقه نهائی در پایان سال ۱۳۴۹، طی مراسمی که در حضور مقام محترم وزارت، جناب بانو دکتر پارسای در محل باشگاه معلمین برگزار گردید با دریافت جوایزی تشویق شدند.

تاریخ ارمنه

یکی از اسناد معتبر و با ارزش جهانی درباره:

نوشته: **ماردیک آودیسیان**

دبستان و دبیرستان بوستان ارمنه

ارمنه یکی از قدیمی ترین ساکنین آسیای صغیر هستند که طبق گواهی تاریخ نویسان و تحقیقات باستان شناسان چهار هزار سال پیش در مرکز - جنوب و شمال آسیای صغیر میزیسته اند و با شرکت در جنگ ماد و بابل بفتح بابل بسیار کمک کردند.

بعد از محاصره نینوا، پارویر رئیس اتحاد نژادی آرمن شوپرا، سپاهش دوش بدوش پادشاه ماد کیاک بر علیه آن جنگید و بعد از سقوط این شهر با سپاهش بحضور شاه ماد رسید و بکمک شاه ماد توانست دشمن دیرین را از پای در آورد، در سال ۶۱۲ قبل از میلاد، در قبال این کمک فرمان پادشاهی ارمنستان را دریافت نمود و بدین ترتیب دولت ارمنستان رسماً بوجود آمد.

دوران حکومت مادها در خاور نزدیک دیری نپائید زیرا کورش شجاع و بزرگ که از نژاد پارسی بود بر علیه مادها شورش کرد و در سال ۵۵۳ قبل از میلاد آنها حکومت آنها را مغلوب ساخت. تیگران پسر یرواند نیز که در همان هنگام علیه اژدها که قد علم کرده بود استقلال ارمنستان را بدست آورد و چندی بعد لشکر بزرگی تشکیل داد و بفتح بابل بسیار کمک کرد.

طبق کتیبه های بیستون، داریوش اول برای تسخیر ارمنستان با ارمنه وارد جنگ شد و در سالهای ۵۲۱ و ۵۲۰ قبل از میلاد، ارمنستان را نیز بکشور پهناور و بزرگ ایران افزود و این سرزمین را بدو قسمت تقسیم و آنها را سیزدهمین و هیجدهمین مرزبانی (استان) ایسران بشمار آورد.

بدین ترتیب زبان - فرهنگ و اخلاق و عادات ارمنه وارد ایران شد و از آن زمان تا کنون در جو ادب ایرانیان در کمال آسایش و آرامش زندگی کرده اند.

در حال حاضر در ایران ۱۵۰۰۰۰ صدو پنجاه هزار ارمنی زندگی می کنند که از این عده ارمنه آذربایجان شرقی بومی هستند و پدران آنها از ۲۵۰۰ سال پیش تا کنون در آن خطه سکونت گزیده اند.

پنجاه سال پیش در شهرها و دهستانهای خوی و ماکو نیز ارمنه زندگی می کردند ولی در ایام جنگ جهانی اول هنگامی که ترکهای عثمانی بیش از یک میلیون ونیم ارمنه کشور خود را قتل عام کردند، در ۱۹۱۸ وارد آذربایجان شدند و ارمنه ایرانی ولایات نامبرده را نیز کشتند.

اجداد ارمنه اصفهان - خوزستان - اراک - همدان - شیراز و چند شهرستان و دهستان دیگر بفرمان شاه عباس از ارمنستان به ایران کوچ داده و در ایران مستقر شده اند.

مردم ارمنستان سالهای سال همسایه خوب و صلح دوست ایران بوده و مخصوصاً با سلسله هخامنشی، اشکانیان و ساسانیان روابط حسنه داشته و در تمام کوششهای هنری - ادبی و حتی رزمی ایرانیان آنزمان شرکت می کرده اند، در خاور نزدیک، ارمنه اولین ملتی بودند که آئین مسیح را پذیرفتند و رسماً مسیحی گشتند و ترجمه کتاب مقدس بزبان ارمنی از طرف مورخان و ادباء اروپائی بهترین ترجمه انجیل شناخته شده و بان لقب ملکه ترجمه داده اند.

ارمنه مسیحیت را بگرجستان گسترش دادند و حتی القباای گرجستان و آقوان را دانشمند و ادیب بزرگ مسروپ ماشتوتس کشف کرده است این دانشمند قبلاً القباای ارمنی را بوجود آورد که در زیبایی و رسائی خود با حروف لاتین برابری می کند، این زبان از نقطه نظر کلمات و اصطلاحات در حدود صد هزار کلمه دارد و یکی از غنی ترین زبانهای جهان محسوب می شود. القباای ارمنه در سال ۴۰۴ بعد از میلاد مسیح بوجود آمد، ولی طبق گواهی مورخان و کتیبه های قابل قبول که اخیراً بدست آمده، ارمنه هزار وهشتصد سال قبل از میلاد نیز برای خود القباای مخصوصی داشتند.

دستور زبان ارمنی از نظر قواعد، بی مانند است.

قرنهای متمادی کتابهای ادبی - فلسفی -

مردم ارمنستان سالهای سال همسایه خوب و صلح دوست ایران بوده و مخصوصاً با سلسله هخامنشی، اشکانیان و ساسانیان روابط حسنه داشته و در تمام کوششهای هنری - ادبی و حتی رزمی ایرانیان آنزمان شرکت می کرده اند، در خاور نزدیک، ارمنه اولین ملتی بودند که آئین مسیح را پذیرفتند و رسماً مسیحی گشتند و ترجمه کتاب مقدس بزبان ارمنی از طرف مورخان و ادباء اروپائی بهترین ترجمه انجیل شناخته شده و بان لقب ملکه ترجمه داده اند.

مذهبی و علمی بزبان ارمنی نوشته شده است
 کاریست بس مشکل که بتوان نام یک دانشمندان
 مورخان - نویسندگان - موسیقیدانان - نقاشان
 و معماران ارمنی را شمرد.

از آنها می شود - ساهاک پارتو - مسروب
 ماشوتس - موسس خورناتسی (پدر مورخان) -
 یقیسه - آنانیا - شیراکاتسی - دانشمند بزرگ
 مختار هراتسی - نارکاتسی - شنور هالی -
 توروس رسلین و از معاصرین می توان آویان -
 رافی - تومانیان - ایساهاکیان - چارنیس -
 سیامانتو - کومیتاس - خاچاطوریان - ساریان
 هامیاتسومیان، را نام برد.

ارامنه دارای فالکلوریک بسیار غنی هستند،
 موسیقی آنها بی نظیر و دلنشین است، در نقاشی،
 سنگ تراشی و مهندسی دارای استعدادی شگرف
 هستند، تا تر آنها نیز دو هزار سال پیش بوجود
 آمده است .

در تاریخ ۱۶۰۵ میلادی، برای اینکه
 ارامنه بتوانند در ایران زندگی کنند، شاه عباس
 کبیر دستور داده که سال از ارامنه مالیات گرفته
 نشود و با آنها در کمال دوستی رفتار کنند و چون
 هوای جنوب ایران خیلی گرم بود، ایرانیان به
 تازه واردین ارامنه، آب انار می دادند که مریض
 نشوند .

در جلفای اصفهان ارامنه چندین کلیسا - یک
 موزه - کتابخانه - بیمارستان - مدرسه - کلوب
 و تأسیسات دیگری دارند .

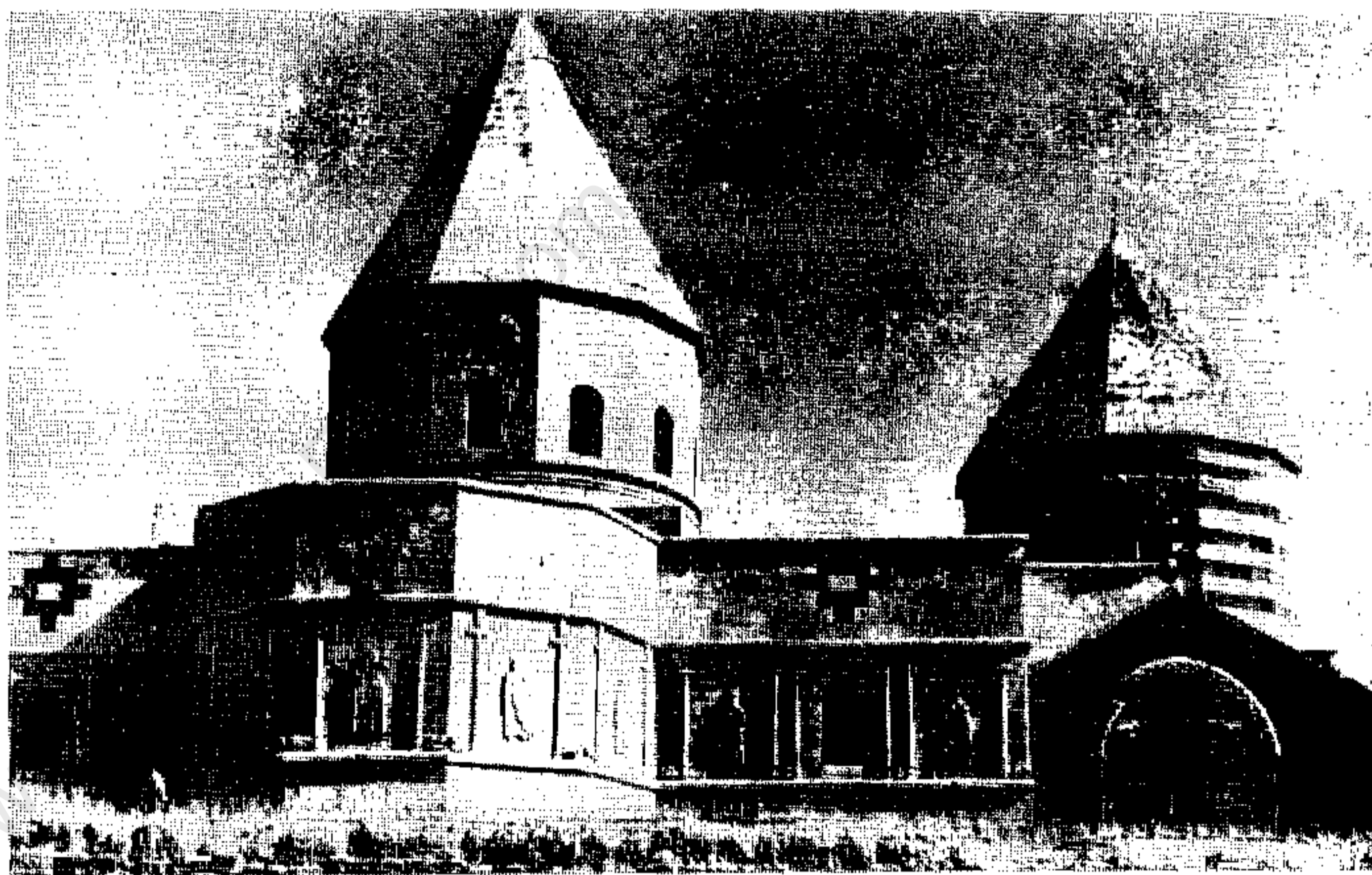
در تهران و آذربایجان نیز ارامنه همه گونه
 فعالیت فرهنگی و خیریه دارند، تعداد کودکان،
 دبستان و دبیرستانهای ارامنه پایتخت بیش از
 بیست و پنج است که بجز برنامه رسمی وزارت
 آموزش و پرورش، تعلیمات دینی مسیح و زبان
 ارمنی نیز تدریس میشود و همانگونه که مسئولین
 این آموزشگاهها همیشه اذعان دارند دولت،
 مخصوصاً وزارت آموزش و پرورش و بخشهای
 فرهنگی همه گونه کمک و مساعدت را در باره
 مؤسسات ارامنه مبذول داشته اند .

در دوره درخشان سلطنت خاندان پهلوی
 خصوصاً در زمان ۲۵ سال سلطنت شاهنشاه
 مهربان و ترقیخواه، محمد رضا شاه پهلوی، ارامنه
 مانند هم میهنان مهمان نواز مسلمان و سایر اقلیتها
 زندگی آسوده و مرفه و دور از تبعیض دارند،
 وفاداری اقلیت ارامنه بمقام سلطنت و حفظ تمامیت
 خاک ایران عزیز بر هیچکس پوشیده نیست.

در موزه ارامنه اصفهان تعداد بیشماری از
 فرمانهای شاهان صفویه و پهلوی موجود است که
 مؤید این مدعاست، خدمات صادقانه میرزا ملکم
 خان - پیرم خان رستم - بطروس خان و دیگر مجاهدین
 که در راه استقرار سلطنت مشروطه و آزادی و
 صیانت ایران، جانفشانی کرده اند، از نظر ایرانیان
 پنهان نیست.

بدستور شاهنشاه آریامهر در دانشگاه تهران
 و اصفهان، زبان و ادبیات و تاریخ ارامنه، تدریس
 میشود و دانشجویان مسلمان و ارمنی در کنار
 یکدیگر، زبان ارمنی را فرامیگیرند.

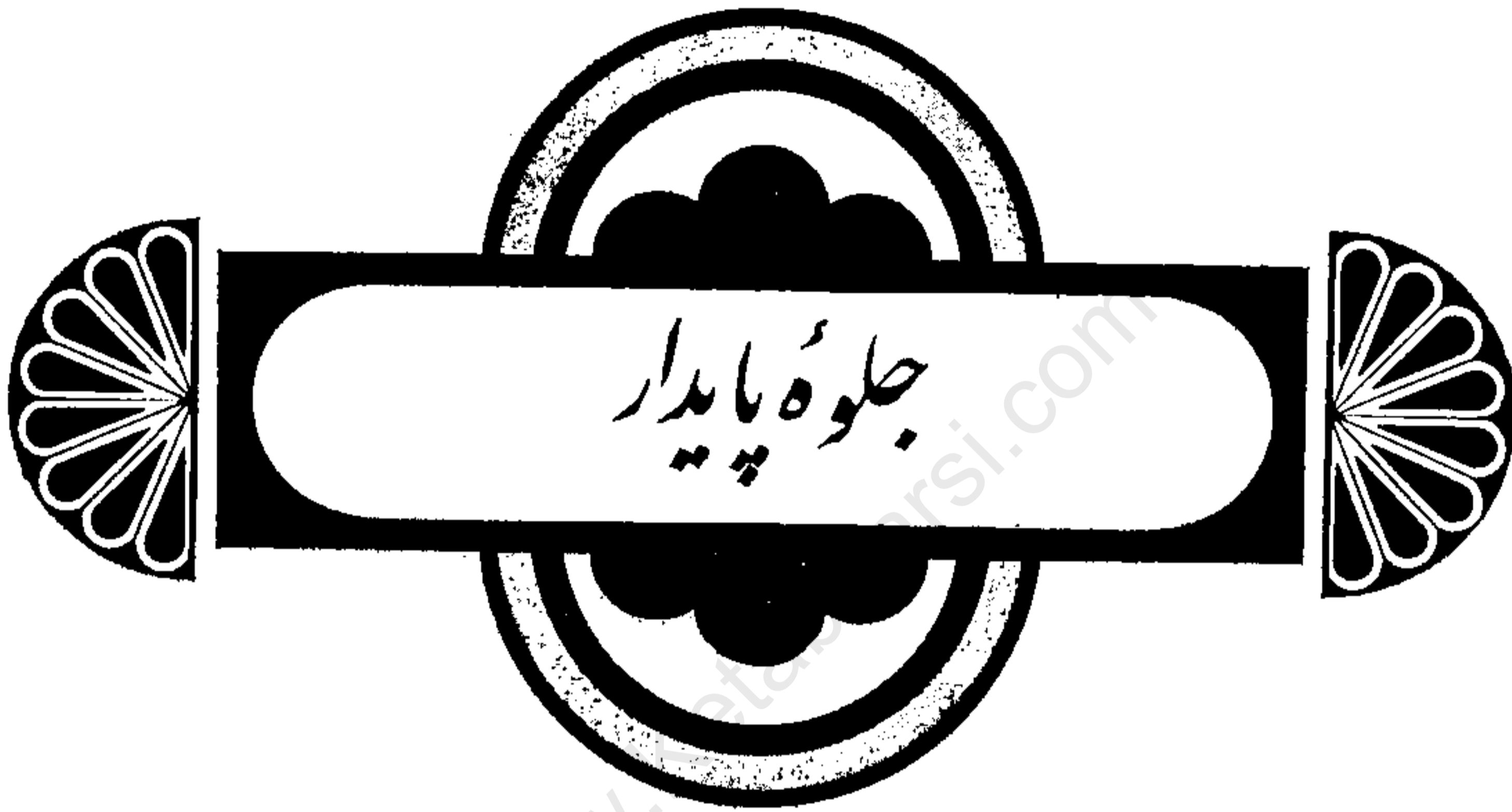
اخیراً در شرفیابی عید نوروز، شاهنشاه
 فرهنگ دوست و شهبانوی مهربان به خلیفه ارامنه
 فرمودند که دستور لازم صادر شده که دو دیر
 (کلیسا) قدیمی که از حیث معماری بیمانند است،
 تعمیر شوند و با ساختن راههای جدید، امکان زیارت
 برای ارامنه ایران و سایر مسیحیان دنیا ایجاد گردد .
 ارامنه ایران پیاس همه گونه وسائل رفاه و
 آسایشی که در پناه مقام سلطنت، در این کشور
 داشته و دارند، در ایامی که عموم ایرانیان خود
 را برای برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد
 ساله شاهنشاهی آماده می کنند، از دو سال پیش
 مقدمات شرکت در این جشنهای ملی را فراهم
 نموده اند .



یکی از قدیمیترین کلیساها که مربوط به ارامنه ایران است، ۸۰۰ سال قبل بر روی کوههای مرتفع
 طراف ماکو ساخته شده و فرم و محل ساختمان آن از هر نظر مورد تحسین و اعجاب است .
 بن بنای قدیمی مذهبی که با دقت مراقبت میشود در اکثر ایام سال مخصوصاً در تابستانها مورد بازدید
 سیاری از مردم است و ارامنه برای انجام فرائض مذهبی با اشتیاق با آنجا میروند.

از: ابو القاسم سعیدی

عضو انجمن خانه و مدرسه دبیرستان آذر میدخت شرقی



که روشن کند نام تو ، جان من
که ایران من هست ایمان من

بخاکت قسم ، روح پاک منی
تو مهر و مه تابناک منی

« کنام پلنگان و شیران بُدی »
که ملک بسی شهریاران بُدی

چو شاپور ، فرزند زائیده ای
ننالیده ای ، زانکه آزاده ای

چه هستی ؟ که هستی ؟ تو ، ایران من
بقربان تو جان و جانان من

بخاک تو نازم که خاک منی
مرا دل درخشنده از مهر توست

تو مام شهنشاه ساسان بُدی
بگیتی از آنسان درخشان بُدی

تو شاهی چو کورش بخود دیده ای
بزیر سم اسب تازی و ترک

مذهبی و علمی بزبان ارمنی نوشته شده است
کارست بس مشکل که بتوان نام یکایک دانشمندان
مورخان - نویسندگان - موسیقیدانان - نقاشان
و معماران ارمنی را شمرد.

از آنها می شود - ساهاک پارتو - مسروپ
ماشتوتس - موسس خورناتسی (پدر مورخان) -
یقیشه - آنانیا - شیراکاتسی - دانشمند بزرگ
مختار هراتسی - نارکاتسی - شنور هالی -
توروس رسلین و از معاصرین می توان آبویان -
رافی - تومانیان - ایساهاکیان - چارنیس -
سیامانتو - کومیتاس - خاچاطوریان - ساریان
هامیاتسومیان، را نام برد.

ارامنه دارای فالکلوریک بسیار غنی هستند،
موسیقی آنها بی نظیرو دلنشین است، درنقاشی،
سنگ تراشی و مهندسی دارای استعدادی شگرف
هستند، تا تر آنها نیز دو هزار سال پیش بوجود
آمده است .

در تاریخ ۱۶۰۵ میلادی ، برای اینکه
ارامنه بتوانند در ایران زندگی کنند ، شاه عباس
کبیر دستور داده ده سال از ارامنه مالیات گرفته
نشود و با آنها در کمال دوستی رفتار کنند و چون
هوای جنوب ایران خیلی گرم بود ، ایرانیان به
تازه واردین ارامنه، آب انار می دادند که مریض
نشوند .

در جلفای اصفهان ارامنه چندین کلیسا -
موزه - کتابخانه - بیمارستان - مدرسه - کلوب
و تأسیسات دیگری دارند .

در تهران و آذربایجان نیز ارامنه همه گونه
فعالیت فرهنگی و خیریه دارند، تعداد کودکان
دبستان و دبیرستانهای ارامنه پایتخت بیش از
بیست و پنج است که بجز برنامه رسمی وزارت
آموزش و پرورش ، تعلیمات دینی مسیح و زبان
ارمنی نیز تدریس میشود و همانگونه که مسئولین
این آموزشگاهها همیشه اذعان دارند دولت،
مخصوصاً وزارت آموزش و پرورش و بخشهای
فرهنگی همه گونه کمک و مساعدت را در باره
مؤسسات ارامنه مبذول داشته اند .

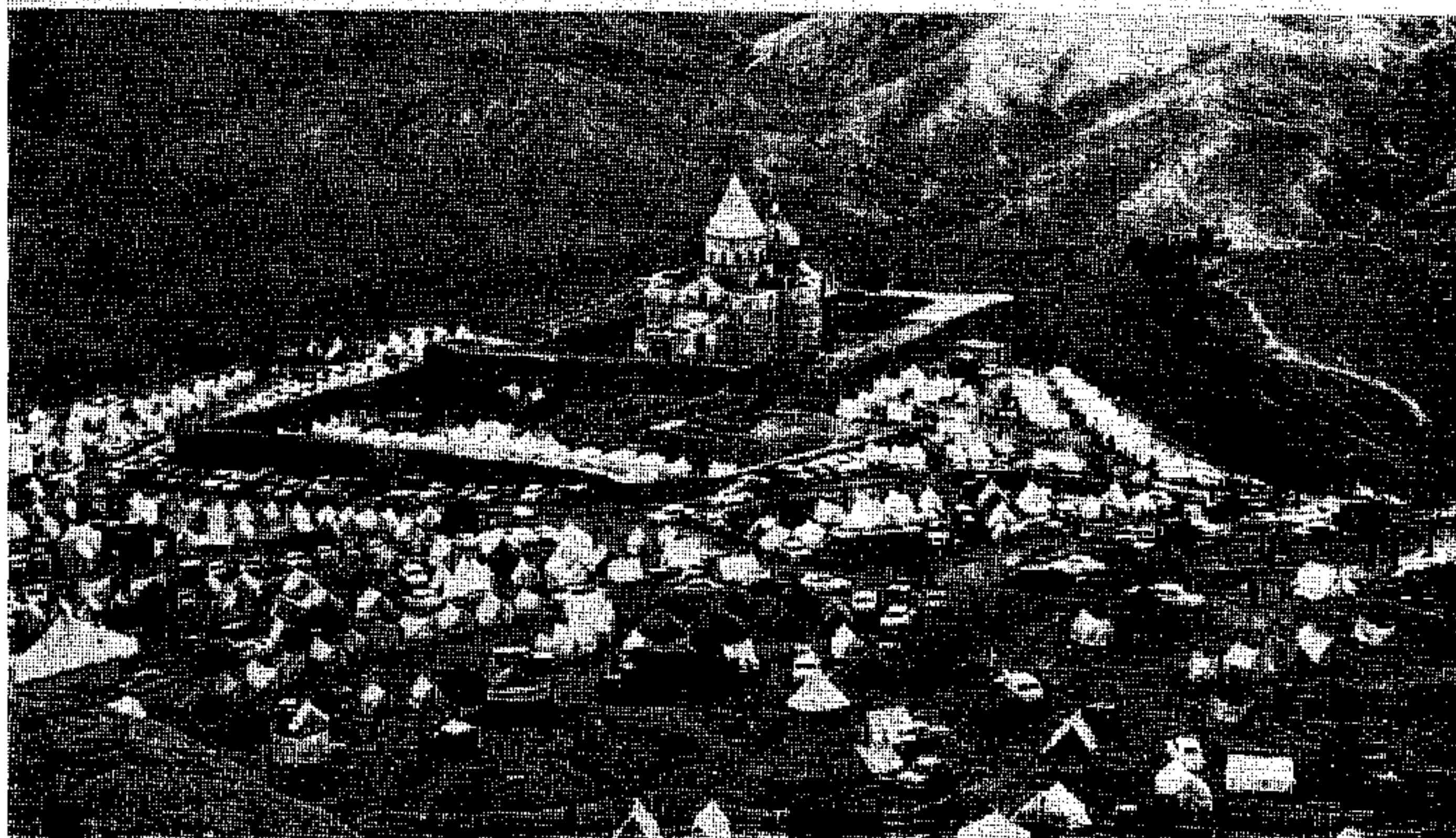
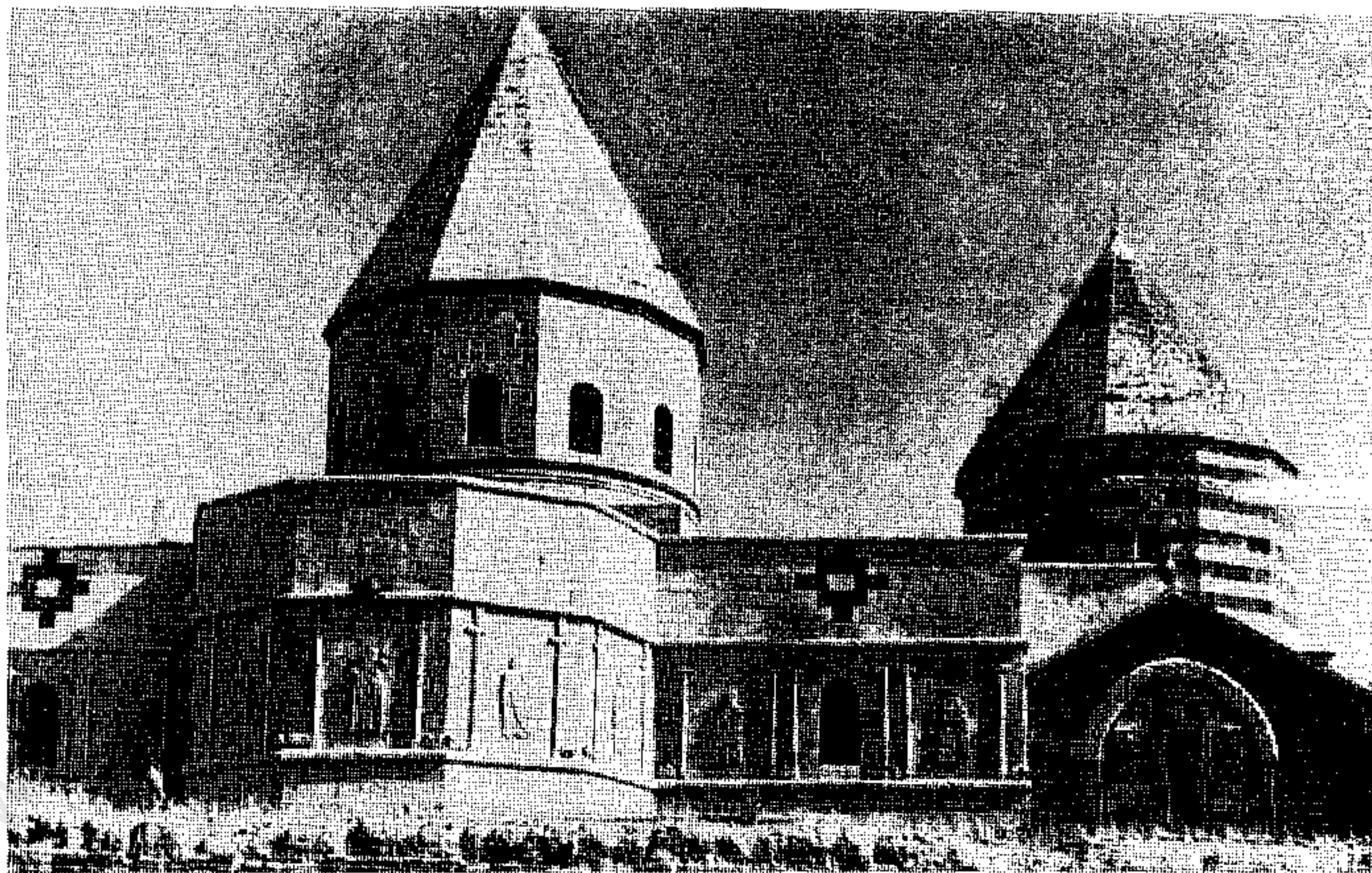
در دوره درخشان سلطنت خاندان پهلوی
خصوصاً در زمان ۲۵ سال سلطنت شاهنشاه
مهربان و ترقیخواه، محمد رضا شاه پهلوی، ارامنه
مانند هم میهنان مهمان نواز مسلمان و سایر اقلیتها
زندگی آسوده و مرفه و دور از تبعیض دارند ،
وفاداری اقلیت ارامنه بمقام سلطنت و حفظ تمامیت
خاک ایران عزیز برهیچکس پوشیده نیست.

در موزه ارامنه اصفهان تعداد بیشماری از
فرمانهای شاهان صفویه و پهلوی موجود است که
مؤید این مدعاست، خدمات صادقانه میرزا ملکم
خان - پیرم خان رستم - بطروس خان و دیگر مجاهدین
که در راه استقرار سلطنت مشروطه و آزادی و
صیانت ایران، جانفشانی کرده اند، از نظر ایرانیان
پنهان نیست.

بدستور شاهنشاه آریامهر در دانشگاه تهران
و اصفهان، زبان و ادبیات و تاریخ ارامنه، تدریس
میشود و دانشجویان مسلمان و ارمنی در کنار
یکدیگر، زبان ارمنی را فرامیگیرند.

اخیراً در شرفیابی عید نوروز ، شاهنشاه
فرهنگ دوست و شهبانوی مهربان به خلیفه ارامنه
فرمودند که دستور لازم صادر شده که دو دیر
(کلیسا) قدیمی که از حیث معماری بیمانند است،
تعمیر شوند و با ساختن راههای جدید، امکان زیارت
برای ارامنه ایران و سایر مسیحیان دنیا ایجاد گردد .

ارامنه ایران پاس همه گونه وسائل رفاه و
آسایشی که در پناه مقام سلطنت، در این کشور
داشته و دارند، در ایامی که عموم ایرانیان خود
را برای برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد
ساله شاهنشاهی آماده می کنند، از دو سال پیش
مقدمات شرکت در این جشنهای ملی را فراهم
نموده اند .



یکی از قدیمیترین کلیساها که مربوط با ارامنه ایران است ، ۸۰۰ سال قبل بر روی کوههای مرتفع
طرف ماکو ساخته شده و فرم و محل ساختمان آن از هر نظر مورد تحسین و اعجاب است .
بن بنای قدیمی مذهبی که بادقت مراقبت میشود در اکثر ایام سال مخصوصاً در تابستانها مورد بازدید
سیاری از مردم است و ارامنه برای انجام فرائض مذهبی با اشتیاق بآنجا میروند .

از: ابو القاسم سعیدی

عضو انجمن خانه و مدرسه دبیرستان آذر میدخت شرقی



که روشن کند نام تو ، جان من
که ایران من هست ایمان من

بخاکت قسم ، روح پاک منی
تو مهر و مه تابناک منی

« کنام پلنگان و شیران بُدی »
که ملک بسی شهریاران بُدی

چو شاپور ، فرزند زائیده ای
ننالیده ای ، زانکه آزاده ای

چه هستی ؟ که هستی ؟ تو ، ایران من
بقربان تو جان و جانان من

بخاک تو نازم که خاک منی
مرا دل درخشنده از مهر توست

تو مام شهنشاه ساسان بُدی
بگیتی از آنسان درخشان بُدی

تو شاهی چو کورش بخود دیده ای
بزیر سم اسب تازی و ترک

چه مشکل ، که آسان نشد از خورد
ز انصاف شد ، خانه‌هایی درست

بفرمود در اصل ده ، پادشاه
خدایا ، دل آریامهر را ...

کنون ، فصل نو سازی شهر هاست
بلی ، این همه شور و آوازاها

اگر هستی ایدوست خود اهل درد
در ایران زمین ، از دو کس ، یاد کن

پس از کورش ، آن شهریار کبیر
چه کس جز شهنشاه ما پهلوی

سپاهش ، بدلها حکومت کند
دل خلق آکنده از عشق اوست

تو ای آریامهر پیروز بخت
برازنده باشد اگر گویمی ...

شها ، عزت و شوکت ، پایدار
خداوند یکتا ، نگهدار تو

سعیدی ، همی خواهد از کردگار
محمد رضا شاه ، پاینده باد

اگر پی باندیشه‌ی شه برد
که تخم محبت در آن پرورد

که ملی شود جمله رود و میاه
منور کن انسان ، که مهری بماه

بهر شهر و بخشی ، چه غوغا پیاست
بهر جا که بینی تو ، از شاه ماست

نگر ، انقلاب اداری چه کرد
یکی کورش و دیگر این راد مرد

که دلها شدند بمهرش اسیر
بتاریخ ، نامی شدست و شهیر

حکومت ، بدلهای ملت کند
دعاش ، از دل و جان ، رعیت کند

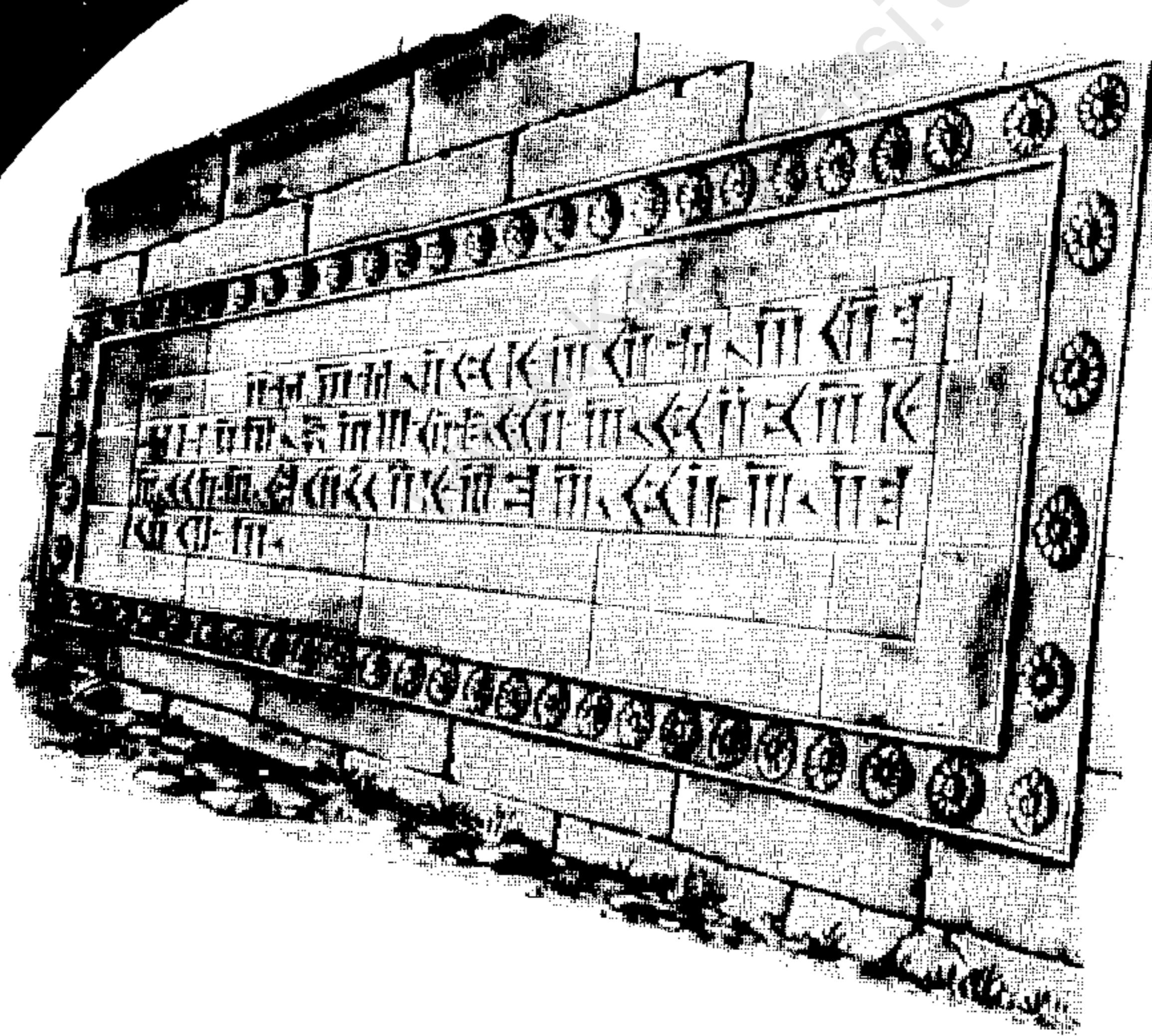
که فرخنده بادت همی ، تاج و تخت
شکوفنده باد ، آن همایون درخت

شهنشاهیت ، تا ابد بر قرار
نگهدار آن سرور تاجدار ...

که جاوید دارد ، شه کامکار
بگردد بکامش ، همی روزگار



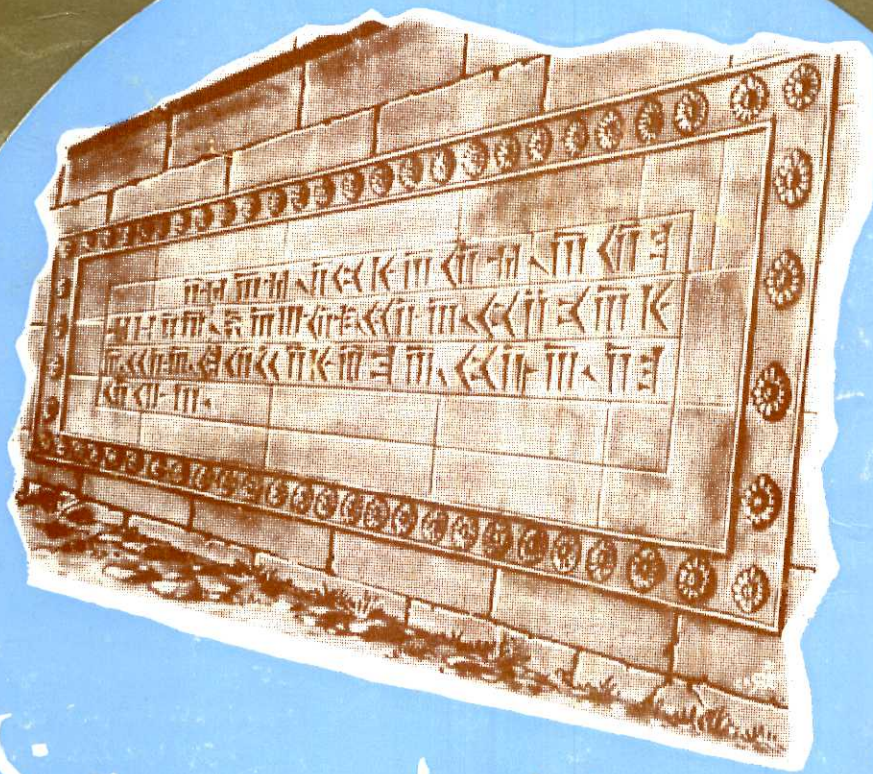
تصویر جالبی از فرم لباس نوباوگان کشور
در گذشته و حال



در سپاه نو

سال «کوروش کبیر»

دعای رانکه پیناکان گرامی مادر ۲۵۰۰ سال پیش بهنگام آبرگراری خشکهای باسکوه پیتیم
شاهنشاهی پرافخار ایران بر دیواره های «تخت جمشید» حک کرده اند؛



خدا

این دستور را از دشمنان، از خشکسالی، از دروغ بخت گزین